

هیس!



فرنام شکیبافر  
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵

«افکار عمومی» اصطلاحی است که ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه بازمی‌گردد. این مفهوم در بدو امر بیانگر و بازتاب مصالح طبقه بورژوا در راستای صیانت از مالکیت و آزادی‌های آنان در برابر تعدیات نهاد دولت بود لیکن به تدریج با توسعه حق رأی همگانی، گسترش جنبش‌ها و پوشش‌های توده‌ای و علی‌الخصوص با گسترش رسانه‌های همگانی شکل و ابعاد تازه‌ای به خود گرفت؛ به گونه‌ای که یورگن هابرماس، جامعه‌شناس آلمانی، در نیمه دوم قرن بیستم سخن از ملموس‌تر شدن، استقلال نسبی افکار عمومی و تبدیل شدن آن به بازیگری مستقل در عرصه مناسبات و جریان قدرت در جامعه به میان آورد.

امروزه رسانه‌های عمومی از سویی بازتاب دهنده افکار عمومی و از سویی دیگر خود شکل‌دهنده افکار عمومی هستند. بدین ترتیب ضمن شکل‌دهی به جهت‌گیری‌های عموم، نقشی بی‌بدیل در بازتاب دادن افکار و مطالبات عمومی ایفا می‌نمایند. به تعبیر ژرژ بالاندیه، جامعه‌شناس فرانسوی، یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های رسانه‌های عمومی در دوران فعلی حیات بشر آن است که حکام سیاسی یا به تعبیر ادبیات تخصصی علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی «الیت سیاسی» را به گونه‌ای بی‌سابقه در معرض نگاه و نظارت حکومت‌شوندگان قرار می‌دهد. به این ترتیب است که در دوره مدرن از سیاست و قدرت برخلاف اعصار کهن افسون‌زدایی صورت گرفته و دیگر سیاست و سیاست‌ورزی امری فرازمینی و در انحصار طبقه، شئون و طیفی خاص نیست که در پس پستوهای قدرت و تاریخانه‌های اسرارآمیزی به تصمیم‌گیری، تخصیص منابع و اداره امور عمومی متفک از نظارت و غیرمنبعث از خواست و تمایلات عمومی جامعه بپردازند بلکه باید پاسخگوی کردار و تصمیمات خود باشند. علی‌رغم موارد یاد شده تا به امروز همواره طیف گسترده‌ای از نظام‌های سیاسی در اقصی نقاط جهان تلاش نموده‌اند با اعمال محدودیت بر رسانه‌های عمومی به طرق و در اشکال مختلف مانع از بازتاب افکار عمومی و شکل‌دهی به آن به گونه‌ای که تهدیدی برای مصالح و دیدگاه‌های هیئت‌حاکمه فراهم آورد شوند و از تبادل آزاد اطلاعات ممانعت به عمل آورند. در عین حال تجربه نشان داده این دست از رژیم‌های سیاسی خود نیز سرانجام به محض آنکه جریان اطلاعات و فشار افکار عمومی روزنه‌هایی برای بروز و ظهور یابد منتهی به بحران‌هایی بعضاً غیر قابل کنترل برای این دست از حکومت‌ها شده است.

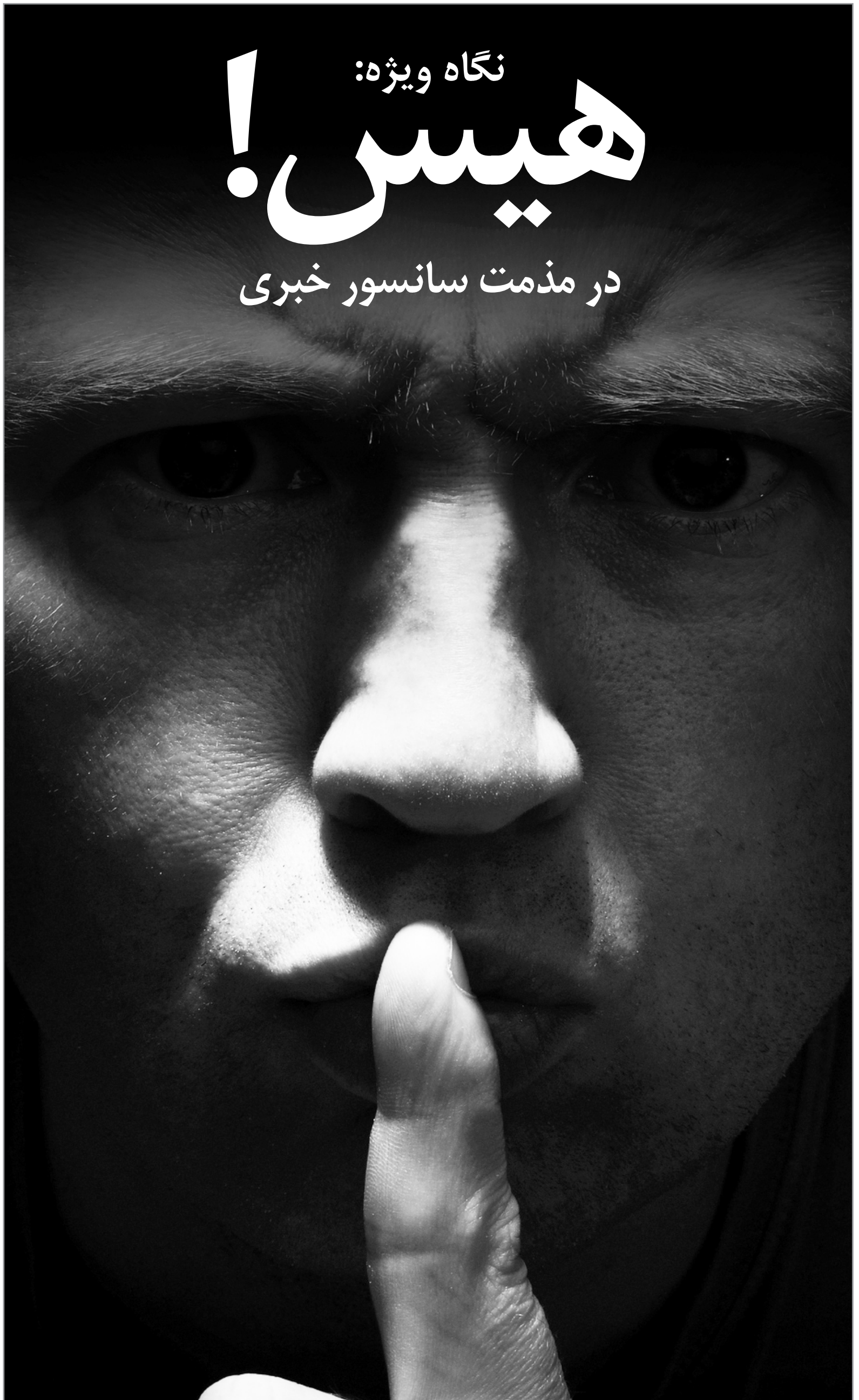
نظر به موارد فوق باید گفت در پیش گرفتن رویه‌ی سانسور خبری، اعمال مجازات علیه فعالین رسانه‌ای و فی‌الجمله اختلال در روند جریان آزاد اطلاعات، سیاستی صحیح و کارآمد در بازه‌ای بلندمدت برای حفظ ثبات سیاسی و صیانت از یک نظام سیاسی نیست. خاصه که امروزه با توجه به مقوله شبکه‌های اجتماعی متنوع و فراگیر اعمال محدودیت بر مجاری رسمی و آشکار دیگر مانع از روند گردش اطلاعات نمی‌شود و بالعکس می‌تواند در خلأ وجود مجاری رسمی معتبر و متفک از اعمال سانسور، بازار شایعات بی‌اساس و یا نشر اطلاعات مبالغه‌آمیز را داغ نموده و به این ترتیب نوعی نقض غرض برای اعمال‌کنندگان چنین سیاست‌هایی را در پی داشته باشد.

همانگونه که یک فعال اقتصادی دارای میزانی از منابع مالی برای ورود به یک فعالیت اقتصادی و در راستای موفقیت در بیزینس خویش نیازمند اطلاعاتی از شرایط موجود بازار است تا بتواند دست به رجحان‌هایی معقول و بهینه بزند، یک فعال سیاسی مستقر در یک نهاد سیاسی برای موفقیت در کار خویش ترجیحاً نیازمند میزانی از اطلاعات پیرامون وضعیت افکار و مطالبات عمومی است تا بهتر بتواند به وظایف خویش عمل نماید.

به صلاح یک نظام سیاسی است که با امتناع...

# نگاه ویژه: هیس!

## در مذمت سانسور خبری



## رئیس جمهور در مراسم افتتاحیه نمایشگاه مطبوعات: نبندیم دهان‌ها را با بهانه های واھی!

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی روز شنبه در مراسم آغاز بکار بیست و دومین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها گفت: بی‌تردید رسانه‌ها، مطبوعات و اصحاب آن، اصحاب فرهنگ و وسیله‌ای برای ارتباط افکار مردم با حاکمیت و انتقال نظر حاکمیت به مردم و فراهم آوردن زمینه برای توسعه جامعه در کشور هستند. رییس جمهوری با تأکید بر اینکه نباید با بهانه‌های واھی، قلم‌ها را شکسته و دهان‌ها را ببندیم، گفت: باید در جامعه با صدای بلند آزادی مسؤولانه را فریاد بزنیم. امنیت برای ما اصل است، اما تنها با تفنگ این امنیت ساخته و حفظ نمی‌شود. رییس جمهوری با بیان اینکه فرهنگ، اساس انقلاب و نهضت اسلامی بود، ادامه داد: با وجود اینکه در مقطعی قیام مسلحانه لازم بود، اما هیچگاه امام خمینی(ره) در دوران نهضت اسلامی، این راه را نپسندید چرا که خط امام تحول در افکار مردم و فرهنگ جامعه بود.



## عمل خلاف عفت عمومی، نه! تشویق به فساد، آری؟!

درباره‌ی پرونده‌ی جنجالی قاری قرآن



شکایت کشاورزان کاملاً روشن است. علاوه بر این، آنچه این روزها در جامعه مشاهده می‌شود و به گوش می‌رسد نیز بطلان این ادعا را تایید می‌کند. این پنهان کاری حتی به ضرر خود متهم نیز هست، زیرا تا زمانی که تکلیف این پرونده روشن نشود، او هم بلا تکلیف است ولی اگر حکم روشن و مستندی درباره این پرونده صادر شود، علاوه بر اینکه تکلیف متهم روشن خواهد شد، بساط شایعه و شیطنت‌هایی که توسط بدخواهان در جریان است نیز جمع می‌شود. این واقعیت را انکار نکنیم که اگر در نظام جمهوری اسلامی با افراد متهم، از هر طبقه و قشری که باشند، به صورت شفاف و بدون ملاحظه برخورد قانونی شود، به نفع این نظام خواهد بود. حکم متهم اگر تیره باشد، جواب سئوال‌های مردم داده خواهد شد و اگر مجازات باشد، مردم از اینکه نظام جمهوری اسلامی با هیچکس تعارف ندارد به این نظام خوشبین‌تر خواهند شد. بدین ترتیب، نباید تردید کرد که رسیدگی شفاف، سریع و قاطع به اتهامات و اعلام نتیجه و اجرای بدون ملاحظه آن همواره به نفع و موجب تقویت نظام خواهد بود و این تفکر که در مواردی باید پنهان کاری شود تا نظام تضعیف نشود، توهمی بیش نیست.

در نهایت باید منتظر ماند و دید که قوه‌ی قضاییه طبق خواسته‌ی مردم که از طریق فضاهای مجازی و همچنین شاکیان که با اعلان برائت از رسانه‌های معاند ضمن درخواست کتبی از رئیس قوه‌ی قضاییه مبنی بر پرداختن به پرونده خواستار رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده‌ی در جریان شدند با تصمیم گیری خود به اعتماد عمومی ضربه خواهد زد یا موجب مثبت تر شدن نگاه مردم به نظام می‌شود.

است به ماجرای شکایات کشاورزان در اوایل انقلاب اشاره کنیم تا ابهامی به وجود نیاید. ماجرا از این قرار بود که کشاورزان به مراجع قضائی، مستولین و مطبوعات شکایت می‌بردند و مطبوعات با چاپ گزارش‌هایی در این زمینه، خطر بازگشت خان‌های غاصب و قلدز را گوشزد می‌کردند.

عده‌ای که واقعاً دلسوز انقلاب و نظام و کشور بودند به آنها می‌گفتند این کار شما رزمندگان را که در جبهه‌ها باید با دلگرمی مشغول دفاع از کشور و نظام باشند دلسرد می‌کند و آنها را با این سئوال مواجه می‌کند که آیا درست است ما در جبهه‌ها از جان خود مایه بگذاریم و خان‌ها به کشور برگردند و زمین‌هایی را که سال‌های متصادی توسط پدران ما کشت و زرع می‌شد، محصولش را ببرند و بخورند؟ فشارها برای قطع گزارش هم‌چنان ادامه داشت اما مطبوعات با این منطق که وقتی مطبوعات از حقوق مردم دفاع کنند رزمندگان هم با دلگرمی در جبهه‌ها می‌مانند زیرا اطمینان پیدا می‌کنند که در پشت جبهه کسانی هستند که نمی‌گذارند حقوقشان ضایع شود و ضدانقلاب برگردد، به چاپ گزارش‌ها ادامه می‌دادند. خلاصه این جدال‌ها ادامه داشت تا اینکه معترضان، موضوع را از طریق بعضی مستولین به سمع امام‌خمينی(ره) رساندند و نظر ایشان را جویا شدند. امام، نظر روزنامه‌ها را تایید فرمودند و آنها با پشتوانه‌ی بیشتری به چاپ آن گزارش‌ها ادامه دادند و خوشبختانه در آن مقطع تا حدود زیادی جلوی خطر بازگشت خان‌های غاصب گرفته شد و همه دیدند که این کار به مصلحت نظام بود.

حال در پاسخ به سوال سوم که ضمن پاسخ دهی به آن پاسخ دو سوال اول نیز روشن می‌شود باید گفت که بطلان این ادعا با توجه سیره امام خمینی و عملکرد ایشان بعد از انقلاب در زمینه عدم پنهان کاری

## وزیری که دیرتر آمد، زودتر رفت

سیر تا پیاز وزارت ورزش

از رشته‌های محبوب این سال‌ها اشاره کرد که توانست علاوه بر عملکرد مناسب در لیگ جهانی برای اولین بار جواز حضور در المپیک را دریافت کند. فوتسال ایران نیز توانست برای اولین بار به عنوان سوم جام جهانی دست یابد و این موفقیت را در بسکتبال و کشتی نیز به نوعی دیگر شاهد بودیم. از سوی دیگر تیم فوتبال ایران نیز در شرایط مناسب و فوق‌العاده‌ای برای صعود به جام جهانی قرار دارد، تمام این اتفاقات باعث می‌شود تا کارنامه‌ی وزارت تحت کنترل او مثبت ارزیابی شود.

برخی عقیده دارند گودرزی با میل خودش استعفا نداده است و مجبور به این کار شده آنچه که در روزهای اخیر بعد از کناره‌گیری گودرزی مشخص نشده همین علت کنار رفتن او است. هیچ‌کس تاکنون به این پرسش پاسخ نداده است که اشتباه وزیر ورزش چه بود که از کارش کنار رفت یا به تعبیری دیگر مجبور به رفتن شد. وزیری که نزدیک به ۳ سال در کابینه حضور داشت به چه دلیلی تنها ۸ ماه مانده به پایان دولت یازدهم باید از این دولت برود. با توجه به اندک زمان باقی مانده تا پایان این دولت، شاید این موضوع به ذهن برسد که مشکل مهمی در مدیریت گودرزی وجود داشته به طوری که امکان به پایان رسیدن دوران وزارت او وجود نداشته است.

مشکلات وزیر ورزش در واقع از درگیری‌های او با کارلوس کی‌روش شروع شد و در نهایت به اختلافات او با قسمتی از کابینه رسید. پروژوی کنار رفتن گودرزی که پیش از المپیک بسیار جدی شد، ریشه‌ای عیان در روابط او با فدراسیون فوتبال داشت، ریشه‌ای که به خاطر مشکلات گودرزی با رئیس فدراسیون فوتبال و برخورد هایش با کارلوس کی‌روش ایجاد شد. گودرزی علی‌رغم کارنامه‌ی عمومی قابل دفاع، اقبال



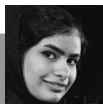
بهاره ابراهیمی  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۴

اتهام سنگین به یک قاری برجسته قرآن در هفته‌های گذشته بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی داشته است. س.ط که از اساتید تلاوت قرآن و از شاخص‌ترین قاریان بین‌المللی کشور به حساب می‌آید متهم به عمل خلاف عفت عمومی و تشویق به فساد شده است. اتهام‌هایی که در اولی، قرار منع تعقیب برای او صادر شده‌است و در دومی (تشویق به فساد) پرونده هم‌چنان باز است.

شایسته است برای روشن تر شدن ماجرای اتهام، آن را از ابتدا بررسی کنیم. داستان از این قرار است که برای اولین بار در خرداد ماه امسال برخی رسانه‌ها از وجود پرونده‌ای علیه وی به دلیل اعمال منافعی عفت خیر دادند و اعلام کردند که اسناد و فایل‌های صوتی پرونده را در اختیار دارند و به دلیل گذشت ۵ سال از طرح شکایت مدعی شدند در صورت عدم رسیدگی قوه قضائیه، مدارک را منتشر خواهند کرد.

از چهار شاکی که از سوی محسنی اژه‌ای معاون اول قوه قضاییه نیز متعاقباً اعلام شده بود دو تن در گفتگو با شبکه بی‌بی‌سی فارسی شواهد را کافی دانسته و به دو توبه نامه یکی به دستخط س.ط و دیگری به خط شخصی دیگر، هر دو با امضای وی و ۹ حلقه لوح فشرده مشتمل بر اعتراف و ندامت او اشاره کردند. هر دو شاکی علت رسانه‌ای کردن این شکایت را عدم رسیدگی درست پس از سپری شدن ۵ سال از اعلام شکایت عنوان کردند.

اخبار منتشر شده در خردادماه آن چنان مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه اوایل مهر ماه یکی از رسانه‌های خارج از ایران اتهامات سنگینی علیه او مطرح کرد. هم‌زمان با انتشار خبر این پرونده توسط VOA مدارک و فایل‌های صوتی این پرونده نیز از جمله تصویر توبه‌نامه‌هایی که شاکیان در مصاحبه با بی‌بی‌سی به آنها اشاره کردند توسط رسانه‌های داخلی منتشر شدند. اکنون چندین سوال بسیار مهم پیش می‌آید. اولی این است که چرا شاکایاتی که در باب این پرونده در ۵ سال گذشته اتفاق افتاده اکنون باید وارد مرحله رسیدگی جدی شود؟ آن هم به دلیل افشا شدن اخبار مربوط به آن. دوم اینکه آیا موقعیت اجتماعی فرد مورد اتهام باعث این پنهان کاری و رسیدگی نکردن به این پرونده شده بود؟ و سومی آیا عده‌ای با این تفکر که افشای این موضوع موجب تضعیف جامعه قرآنی و به دنبال آن تضعیف نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر قرآن است، مانع افشا شدن آن می‌شدند؟ پیش از پاسخ به این سولات شایسته



پریسا عزیزاده  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

وزارت ورزش و جوانان در تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۸۹ پس از ادغام سازمان تربیت‌بدنی و سازمان ملی جوانان در مجلس هشتم تشکیل شد که در روزهای اخیر این وزارت با خبر استعفای وزیر ورزش خبر ساز شد و شوک بزرگی را به جامعه ورزش وارد کرد. محمود گودرزی که از مدت‌ها پیش بحث‌هایی درباره‌ی استعفا، استیضاح و برکناری او مطرح شده بود در فاصله کمتر از ۱۰ ماه تا پایان کار دولت یازدهم با استعفا از وزارت ورزش و جوانان این وزارتخانه را ترک کرد.

گودرزی که ۲۶ آبان به عنوان چهارمین گزینه دولت روحانی به عنوان وزیر ورزش از سوی مجلس رای اعتماد گرفت در ۳ سال گذشته روزهای پر تلاطمی را تجربه کرد. پس از آنکه مجلس شورای اسلامی به مسعود سلطانی فر، رضا صالحی امیری و نصرالله سجادی به عنوان وزیر ورزش و جوانان رای اعتماد نداد، رئیس جمهور در ۹ آبان ۱۳۹۲ محمود گودرزی را به عنوان چهارمین وزیر پیشنهادی وزارت ورزش دولت یازدهم به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. پیش از جلسه رای اعتماد به وی تعدادی از نمایندگان مجلس از نقش گودرزی در حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸ سخن گفتند و احتمال رای آوری وی را پایین دانستند با این حال در ۲۶ آبان ۱۳۹۲ صلاحیت گودرزی در مجلس مورد بررسی قرار گرفت و وی توانست به عنوان وزیر ورزش و جوانان از سوی مجلس رای اعتماد بگیرد.

محمود گودرزی در حالی از سمت خود در وزارت ورزش استعفا داد که به نظر نمی‌رسد عملکرد وزارت تحت اختیار او دلیل این مسئله باشد. بنابر شاخصه‌ها نتایج در دوره محمود گودرزی در رشته‌های مختلف قابل قبول بوده است که از جمله آن می‌توان به عملکرد والیبال به عنوان یکی

## دولت در ایستگاه تغییر



علی میری  
کارشناسی مهندسی عمران ۹۴

بالاخره پس از زمزمه‌ها و حرف و حدیث‌هایی که در چند ماه گذشته پیرامون تغییر در کابینه به گوش می‌رسید در نهایت طی دو هفته گذشته این تغییرات با استعفای سه وزیر و روی کار آمدن سه وزیر تازه نفس (ولی نه از لحاظ سن!) کابینه جانی دوباره گرفت البته که به گفته‌ی کارشناسان کابینه نیاز به تغییرات بیشتر و بهتری داشت به گونه‌ای که از ابتدا ندای تغییر در بیش از سه وزارتخانه به گوش می‌رسید که عبارتند از:

**ارشاد:** با توجه به افزایش فشار مخالفان و موافقان دولت بر وزیر به دلایلی هم‌چون عقب نشینی از بسیاری مواضع بر حق خود، ناهمسویی با اهداف دولت تدبیر، ناهماهنگی در برخی مواضع با دولت و وجود ضعف‌های اساسی در بسیاری از معاونت‌ها به خصوص سینمایی و هنری.

**صنعت معدن و تجارت** نیز به دلایلی مانند کهولت سن وزیر!، تعطیلی تعدادی از بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی، افزایش نارضایتی مردم نسبت به تولیدات خودرو سازان و طرفداری مغرضانه وزارت صنعت از آنها، اعطای امتیازات مهمی به برخی شرکت‌های خاص و ایرادات عمده در واگذاری برخی واحدهای صنعتی.

**وزارت ورزش** به علت سوء مدیریت در بسیاری از فدراسیون‌ها و عدم نتیجه‌آوری در میداين جهانی از جمله المپیک و همچنین کم‌توجهی به موضوع جوانان در این وزارت خانه که عملاً شاهد اتفاقات تازه و مهمی در این زمینه با توجه به شعار های انتخاباتی دولت نبودیم.

**آموزش و پرورش** که از همان ابتدا درگیر مسایل فراوانی از جمله اوضاع ناپه سامان مدارس دولتی از لحاظ دریافت هزینه و به خصوص دریافت شهریه در مدارس خاص که عده‌ای معتقدند بر خلاف این رویه باید از این دانش آموزان حمایت نیز بشود. موضوع اختلاس و سوءمدیریت در صندوق ذخیره فرهنگیان، سوء مدیریت در ادارات آموزش و پرورش و آمدن روسای ناهمسو با سیاست‌های دولت و رفتن افرادی متخصص و کاردان به علت کوتاه آمدن وزیر در مقابل فشارها.

**وزارت علوم** به دلیل انفعال در بعضی مواضع و موضوعات مانند بلا تکلیفی بورسیه‌ها و افزایش هزینه‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، افزایش بدون رویه‌ی دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی و در بعضی موارد بدون شرکت در آزمون سراسری، اعمال قانون آموزشی ظالمانه جدید برای ورودی‌های قدیم و دریافت شهریه از دانشجویان سنواتی و دادن حق اخراج آنها به دانشگاه که با اصل تحصیل رایگان قانون اساسی در تضاد است و موضوعاتی دیگر که وزیر را تا استیضاح پیش برد.

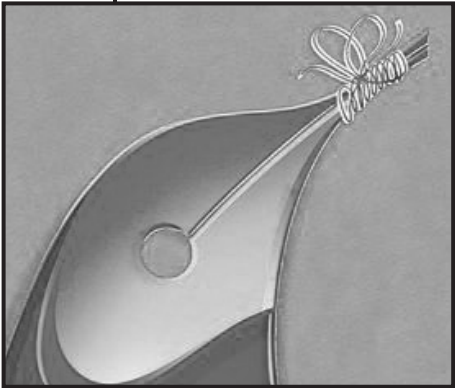
اما در نهایت وزرای ارشاد، ورزش و جوانان و آموزش و پرورش بودند که برخی به اختیار و برخی بالاجبار از قطار دولت پیاده شدند و جای خود را به صالحی امیری، سلطانی و دانش آشتیانی دادند. وزیاری که هیچ کدام نتوانسته بودند اعتماد مجلس قبل را بدست آورند ولی با حرکت مردم در اسفند ۹۴ و اصلاح مجلس و تبدیل آن به مجلسی اعتدالی و مردمی‌تر، مورد اعتماد نمایندگان مجلس دهم واقع شدند. البته گزینه وزارت آموزش و پرورش دکتر نجفی بود که بنا به دلایلی در دقیقه نود جای خود را به دکتر آشتیانی داد که علی‌رغم حاشیه‌های پیش آمده در مورد ایشان در روز رای گیری ایشان هم مانند آقایان سلطانی و صالحی امیری مورد اعتماد نمایندگان مردم قرار گرفتند که برایشان آرزوی موفقیت داریم.

در راستای ترمیم کابینه دولت، ترمیم تیم خبری و مطبوعاتی دولت از انتظارات به حق حامیان دولت است زیرا تیم فعلی به شدت منفعل بوده و اعضای آن عمدتاً از نزدیکان رقیبای رئیس جمهور می‌باشند و یکی از عللی که باعث انتقادهای فراوان به عملکرد دولت می‌شود انفعال این تیم در اطلاع رسانی خدمات و فعالیت‌های دولت به نحو صحیح می‌باشد که آگاهی مردم را نسبت به اقدامات موثر دولت بسیار کاهش داده‌است و تغییر در این تیم هم‌چون کابینه دولت از خواسته‌های طرفداران دولت به خصوص در دوران نزدیک به انتخابات است. تیمی که نقش اساسی در تمدید دولت خواهد داشت

# نگاه ویژه

## رتبه ایران در آزادی مطبوعات؛ ۱۶۹

به گزارش منابع خبری خارجی، ایران در میان ۱۷۹ کشور جهان، پایین‌تر از ازبکستان، سومالی و گینه استوایی، در رتبه ۱۶۹ قرار دارد. در همین حال ایسنا، در گزارشی مفصل و با حذف نام ایران در این رتبه‌بندی نوشت: وضعیت آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در جهان در سال ۲۰۱۵ به مراتب بدتر شده است. چین، سوریه، ترکمنستان، کره شمالی و اریتره در رده‌بندی سازمان گزارشگران بدون مرز، آخرین رتبه‌ها را در بین ۱۸۰ کشور به خود اختصاص داده‌اند. به گزارش ایسنا به نقل از شبکه خبری دوپچه وله، سازمان گزارشگران بدون مرز تازه‌ترین گزارش خود در مورد وضعیت آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در جهان را منتشر کرد. در گزارش این سازمان از فشار روزافزون بر رسانه‌های مستقل در سراسر جهان سخن رفته است. تهیه‌کنندگان این گزارش ۱۸۰ کشور جهان را در این راستا بررسی و در فهرستی رتبه‌بندی کرده‌اند. طبق این گزارش مطبوعات و رسانه‌ها در فنلاند از بیشترین میزان آزادی برخوردارند. کشورهای هلند و نروژ نیز رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهای چین، سوریه، ترکمنستان، کره شمالی و اریتره به ترتیب در رتبه‌های ۱۷۶ تا ۱۸۰ این فهرست جای گرفته‌اند.



### دکتر عباس شیخ‌الاسلامی در گفتگوی اختصاصی با وقایع‌انفایه: باید فضای آزادی رسانه در جامعه پذیرفته شود



منتشر شود ولی متأسفانه در عمل دیده نمی‌شود که قوه قضاییه به این قانون عمل کند. از طرف دیگر در کشورهایی مثل فرانسه به‌خاطر این که لفظ متهم دارای بار معنایی منفی در بین مردم است و متهم هم از فرض بی‌گناهی برخوردار است، اسم متهم را به «شخص تحت بررسی» تغییر داده‌اند. در جرائم اخلاقی نیز به همین منوال، نباید آبروی افراد در زمانی که متهم هستند برده شود و حتی زمانی که مجرم شناخته می‌شود بردن آبروی مسلمان به طور گسترده کار پسندیده‌ای نیست. سیستم‌های کیفری دنیا سعی می‌کنند با وضع قوانینی شرایط را برای اعاده‌ی حیثیت مجرم فراهم کنند و حیثیت فرد را بازگردانند. به خصوص در مسائل اخلاقی و مسائل خلاف عفت که در اسلام هم گفته شده اشاعه‌ی فحشا، خود گناه است. زیرا باعث می‌شود قبح گناه ریخته شود.

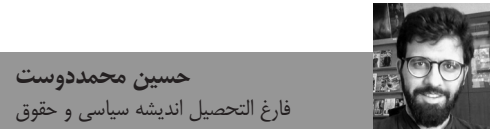
بنابراین سیاست اسلام بزه‌پوشی و منع اشاعه فحشاست. اما بحث دیگر این است که خدایی نکرده قوه‌ی قضاییه پارتی بازی کرده باشد و با برخی از افراد تعامل خلاف قانون کند. اینجا مطبوعات باید وارد عمل شوند و پرسند چرا شما برای یک شخص خاص رانت قائل می‌شوید؟

در جمع‌بندی پاسخ این سوال باید متذکر شوم شفافیت در عملکرد قوه‌ی قضاییه و تبعیض قائل نشدن میان افراد گوناگون از مطالبات به حقی است که باید از سوی مردم و رسانه‌های خبری به رسمیت شناخته شود. حالا اگر چه ممکن است شبکه‌های خارجی نیز این وسط سوء استفاده کنند ولی ما نباید همیشه توپ را در میدان آنها بیاندازیم و هیچگاه از خودمان سوال نکنیم که چرا قوه قضاییه کاری نمی‌کند که شبکه‌های معاند علیه نظام سوء استفاده نکنند. بنابراین با دادن اجازه نقد به رسانه‌های داخلی ضمن رعایت مقررات می‌توان به جریان رسیدگی شفاف این گونه پرونده‌ها کمک شایانی کرد.

**- در مورد این پرونده جنجالی آیا بازه زمانی ۵ ساله برای اعلام رای نهایی دادگاه که هنوز هم اعلام نشده، کمی طولانی به نظر نمی‌رسد؟**  
 - طبق قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی باید طی فرصتی معقول انجام گیرد. متأسفانه در مواد بعد قانون هم مشخص نشده که منظور از فرصت معقول دقیقاً چقدر است. بنابراین ما متأسفانه بعضی از پرونده‌ها را داریم که حتی تا ده الی پانزده سال درحال رسیدگی است و هنوز به حکم قطعی لازم‌الاجرا نرسیده است. در حقیقت این اشکال به سیستم آیین دادرسی کیفری ما وارد است ولی پرونده مذکور به نظر من بی‌جهت طولانی شده است. هرچند من برای اعلام نظر دقیق باید پرونده را بطور کامل مطالعه کنم ولی باتوجه به اطلاعات کلی منتشر شده از پرونده، پنج سال برای بررسی ابتدایی ادعای مطرح شده از جانب شکات زمان زیادی است و با مدت زمان معقولی که در آیین دادرسی عادلانه ذکر شده همخوانی ندارد.

**- اگر بخواهیم بر روی موضوع نگاه ویژه که سانسور خبری است تمرکز بیشتری داشته باشیم نمی‌توانیم نسبت به قانون مطبوعات کشور بی‌توجه باشیم. بخش گسترده‌ای از روزنامه‌نگاران معتقدند گنگ بودن و عبارات غیردقیقی نظیر مصالح نظام و کشور منجر به تیتره‌های برگزیده**  
**- در وزارت اقتصاد و دارایی کشور سوئد، زیرزمینی مخصوص استقرار کارشناسان اقتصادی از مطبوعات مختلف وجود دارد که به یک نسخه از تمام فیشهای حقوقی کارمندان دسترسی دارند. این موضوع یکی از عوامل پیشگیری کننده ی فساد اقتصادی در نظام اداری کشور سوئد است. بنابراین منطقی است که در رده بندی شفافیت اقتصادی ما رتبه ی ۱۳۰ را کسب کنیم و کشورهایی مثل سوئد و نروژ در ردیف های نخست قرار بگیرند.**

**- مسئولان ما برای خروج از این وضعیت باید آزادی مطبوعات را قبول کنند و به لحاظ فرهنگی نیز روی این موضوع کار کنند. البته در این میان ما یک قانون خوب متروکه نیز داریم که از آن استفاده نمیشود و آن «قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و انتشار آزاد اطلاعات» است که در سال ۸۸ به تصویب رسید. این قانون داده نشدن اطلاعاتی که دانستن آنها حق مردم است را از جانب مسئولین جرم تلقی می کند ولی متأسفانه این قانون زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.**



حسین محمد دوست  
 فارغ التحصیل اندیشه سیاسی و حقوق

**پیش مصاحبه: قرار ما با استاد حقوق جزای دانشگاه آزاد در دفتر کارش واقع در بلوار میثاق بود؛ دفتر ریاست دانشگاه آزاد مشهد. دفتری پر از ارباب رجوع که دکتر شیخ‌الاسلامی با حوصله آن‌ها را ملاقات می‌کرد. نوبت ما که شد خستگی از چهره استاد رخت بست و با همان شوق و ذوق تدریس در کلاس، با ما از جنبه‌های حقوقی سانسور خبری گفت. در انتها از خانم زهرا کرمی که در آماده‌سازی این گفتگو مرا یاری کرد سپاسگزاری می‌کنم.**

**- آقای دکتر شرایط فعلی ایران امروز را می‌توان با تسامح عصر افشاگری‌های تلگرامی دانست. روندی که از افشای اسناد و مدارک حقوق‌های نجومی آغاز شد، سپس به موضوع املاک نجومی رسید و هم اکنون نیز در ایستگاه قاری متهم به جرائم اخلاقی است. اگر نگاهی عمیق‌تر به قضیه داشته باشیم، می‌توان یکی از علل این افشاگری‌ها در فضای مجازی را در نامه‌ی یکی از خانواده‌های شکات از قاری سرشناس قرآن بیابیم، آنجا که ایشان گفتند تعلل و اطاعه‌ی دادرسی در صدور حکم نهایی دادگاه (پرونده از سال ۹۰ مفتوح است) موجب ایجاد این قاتله و افشاگری خانواده‌های قربانی در فضای مجازی شده است. آیا شما میان اطاله دادرسی که منجر به سانسور خبری و متعاقب آن افشاگری‌های افسار گسیخته می‌شود پیوندی می‌بینید؟**

- خب به نظر می‌رسد که ما باید دو حوزه مسائل مالی و مسائل کیفری را از یکدیگر تفکیک کنیم. دنیا امروزه روی موضوعاتی هم‌چون آزادی اطلاعات و حدود ورود رسانه‌ها به حرم خصوصی افراد کار کرده‌است و به نتایج مشخصی هم رسیده‌است. مثلاً در باب فیش‌های حقوقی در کشور آمریکا می‌گویند اگر در سال کسی بالای یکس هزار دلار حقوق داشته باشد این موضوع باید روی سایت‌های خبری بیاید ولی ما چون روی این موضوعات چه از نظر تحقیقات علمی و چه از لحاظ تطبیقی کار نکرده ایم این گونه دچار چالش شده‌ایم. بنابراین به نظر من در حوزه مالی اصل بر آزادی اطلاعات است. اطلاعات باید به صورت شفاف در اختیار مردم قرار بگیرد چرا که دانستن حق مردم است و بهتر است که ما نیز در این قالب کمی به مطالعات تطبیقی بپردازیم و مواردی که دولت اصولاً مکلف است، اطلاع‌رسانی کند و یا مواردی که اتفاقاً محرمانه هستند (مثل حساب بانکی) این‌ها را مشخص کند. مثلاً در وزارت اقتصاد و دارایی کشور سوئد، زیرزمینی مخصوص استقرار کارشناسان اقتصادی از مطبوعات مختلف وجود دارد که به یک نسخه از تمام فیش‌های حقوقی کارمندان دسترسی دارند. این موضوع یکی از عوامل پیشگیری کننده ی فساد اقتصادی در نظام اداری کشور سوئد است. بنابراین منطقی است که در رده بندی شفافیت اقتصادی ما رتبه ی ۱۳۰ را کسب کنیم و کشورهایی مثل سوئد و نروژ دررتبه‌های نخست قرار بگیرند. البته من خودم به عنوان فردی که حقوق می‌خوانم خوشحالم که بالاخره این گونه مباحث در حال باز شدن هستند اما در باب پرونده‌های قضایی در دنیا اصل این است که تا فردی متهم است، «اصل برائت» برای او استفاده می‌شود. چرا که متهم، یعنی کسی که هنوز جرمش اثبات نشده و ما حق نداریم آبروی فرد را ببریم و زمانی جرم فرد اثبات و حکم قطعی لازم‌الاجرا برای فرد صادر شد فرد مجرم شناخته می‌شود. با این حال در باب برخی جرائم در دنیا به قانون‌گذار این اجازه داده می‌شود که بعضی از تخلفات مانند اختلاس را به علت بازدارندگی اجتماعی اعلام کند. در ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی در مورد فسادهای بالاتر از صد میلیون تومان الزام شده که مشخصات مختلس

**برداشت‌های ناصوابی شده که خود موجبات سانسور و حتی خودسانسوری را فراهم کرده است. تحلیل شما در مورد قانون مطبوعات کشور چیست؟**

- در ابتدا باید بر نوشتن قانون مطبوعاتی شفاف و روشن اهتمام ورزید. از سوی دیگر باید فضای آزادی رسانه در جامعه پذیرفته شود و این امر تنها با قانون‌گذاری میسر نمی‌شود بلکه نیازمند بسترهای سیاسی و فرهنگی است که جای کار بسیار دارد. همانطور که اشاره کردید قانون مطبوعات ما هنوز مبهم است. یک سری جرائمی وجود دارد که به طور کلی اعمالی مثل انتشار اکاذیب، پراکندن شایعات، تشویش اذهان عمومی و... را جرم می‌شمارد در حالی که مصادیق و تعاریف این موارد دقیقاً مشخص نیست که به همین دلیل کلی بودن ممکن است برداشت‌های گوناگونی از این‌ها صورت گیرد و در اجرا ممکن است به درستی اجرا نشود. حتی در این قانون مطالب خلاف قانون اساسی هم دیده می‌شود. قانون اساسی که امام در آن زمان دستور دادند این قانون اصلاح شود. بنابراین قانون مطبوعات ما که از سال ۶۴ موجود است و از آن زمان تا به حال تغییرات و اضافاتی نیز که در آن صورت گرفته، موجب بدتر شدن و مبهم‌تر شدن شده نیازمند بازنگری جدی است. نکته جالب این‌جاست که در ایران و تنها دو کشور دیگر مطبوعات باید مجوز بگیرند در حالی که در تمام دنیا، مطبوعات برای فعالیت نیازی به مجوز ندارند و تنها ثبت می‌شوند. مسئولان ما برای خروج از این وضعیت باید آزادی مطبوعات را قبول کنند و به لحاظ فرهنگی نیز روی این موضوع کار کنند. البته در این میان ما یک قانون خوب متروکه که نیز داریم که از آن استفاده نمی‌شود و آن «قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و انتشار آزاد اطلاعات» است که در سال ۸۸ به تصویب رسید. این قانون داده نشدن اطلاعاتی که دانستن آن‌ها حق مردم است را از جانب مسئولین جرم تلقی می‌کند ولی متأسفانه این قانون زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در جمع بندی این سوال دوباره متذکر می‌شوم که هم قانون مطبوعات ما دارای ابهام و اشکال است و هم فضای جامعه. فضای بسته ای که فقط به مطبوعات لطمه نمی‌زند بلکه گاهی در این فضا به دلیل مبهم بودن به مردم و به مسئولین نیز لطمه می‌خورد.

**- آقای دکتر شما در اثنای صحبت‌های خود تأکید ویژه‌ای بر مقایسه تطبیقی داشتید. بایسته‌های مقایسه تطبیقی چیست؟**

- طبیعتاً مطالعات باید با در نظر گرفتن شرایط، حساسیت‌ها و اقتضائات کشور ما صورت گیرد که از این بحث تحت عنوان بومی کردن نظریه‌ها و دله‌ها و قوانین نام برده می‌شود. من هم نمی‌گویم که برویم و هرچه کشور دیگری گفت ترجمه کنیم و با چشم‌های بسته آن‌ها را اجرا کنیم. یک زمانی ما واقعاً حقوق‌دان در کشور نداشتیم و مثلاً اگر می‌خواستیم قانونی بنویسیم باید می‌رفتیم و دقیقاً از بلژیک می‌آوردیم اما امروزه خوشبختانه به اندازه کافی در کشور حقوق‌دان‌های بزرگ و برجسته داریم که در ایران بزرگ شده‌اند و از اقتضائات کشور مطلعند و دین اسلام و قوانین فقهی و شرعی را نیز می‌دانند. اما مسئله این‌جاست که چنین فرصتی داده نمی‌شود یعنی مثلاً مرکز پژوهش‌های مجلس یا دولت چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد که یک عده افراد نخبه و بی‌طرف که در عین حال از اقتضائات خاص کشور مطلعند لایح و قوانینی را تنظیم کنند. بنابراین ما باید از چنین افراد نخبهای استفاده کنیم و این کار را انجام دهیم البته این به آن معنا نیست که ما در قوانین اسلامی‌مان نکات حقوقی قوی کم داریم اما بالاخره دیدن اینکه کشورهای دیگر چه راهی را رفته‌اند و بومی‌سازی با قوانین داخلی کاری پیچیده و بسیار تخصصی است که لازمه‌اش اعتماد به افراد متخصص در این حوزه است تا بتوانیم ان‌شاءالله قوانینی داشته باشیم که متناسب با جامعه‌ی ایرانی اسلامی ما باشد.

چارچوب ضوابط قانونی کلان کشور (منبعث از قوانین موضوعه) فعالیت می‌نمایند به چشم یک فرصت نگاه کرده و از آن‌ها به عنوان ابزاری برای بسط اطلاعات خود نسبت به حوزه عمومی، افزایش سطح سرمایه اجتماعی، کمینه کردن سطح فساد درونی و بیشینه کردن سطح کارآمدی خود به نحو احسن بهره‌برداری نمایند. نگاه امنیتی حداکثری و بسیط و عدم بهره‌برداری از چنین ظرفیتی که بدان اشاره شد از سوی برخی مسئولان قضایی و اجرایی دوستی ناصواب با نظام است.

نظم مستقر فراهم نمود تا سازوکارهای تأمین عدالت در نظام سیاسی و به تبع آن مجموعه ساخت سیاسی را به چالش بکشند. نباید به بهای مخدوش شدن اعتماد عمومی، یک نخبه سیاسی خاص را از پیگرد مصون نگاه داشت. یک هزینه-فایده حزم‌اندیشانه و آینده‌نگر به تحقیق حکم می‌کند چنین امری خلاف مصلحت نهاد دولت و در تنافر با حفاظت از امنیت و ثبات بلندمدت سامان سیاسی مستقر است. به عنوان جمع‌بندی، نخبگان سیاسی باید نسبت به فعالین رسانه‌ای و رسانه‌هایی که در معرض نظارت افکار عمومی قرار داده و به این ترتیب از رسوخ فساد در ساخت قدرت دولتی جلوگیری نماید. فسادی که یکی از مهم‌ترین عوامل مشروعیت‌زدا و از بین برنده سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی برای یک نظام سیاسی است. برخوردهای شعاری و عوام‌فریبانه برای مبارزه با فساد کارساز نیست. نباید افشاکننده یک فساد را به زندان افکند و رسانه وی را به محاق توقیف برد لیکن مسئول مربوطه را بدون بررسی اتهامات وارده به وی آزاد گذاشت و به این ترتیب فرصتی تبلیغاتی برای مخالفین

## هیس!

# نگاه ویژه

## چرا جنابعالی در قبال این برخوردها ساکت و بی تفاوت هستید؟!

به گزارش خبرنگار پارلمانی ایلنا، سوال علیرضا محجوب، قاسم میرزایی، محمدجواد فتحی، محمدباقر سعادت، بهمن طاهرخانی، طیبه سیاوشی شاهعنایتی، زهرا ساعی، سهیلا جلودارزاده فریده اولاد قباد، فاطمه سعیدی، سیده فاطمه ذوالقدر، پروانه مافی، محمدصادق حسینی، ابوالفضل موسوی، بهروز بنیادی، احمد مازنی، مهدی شیخ و محمدعلی و کیلی از حجت‌الاسلام پورمحمدی اعلام وصول شد. در سوال نمایندگان از وزیر دادگستری آمده است:

در یک سال اخیر بر خوردهای غیرقانونی و غیر منطبق با قوانین، از جمله اصول ۳۲، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل قانونی ناظر به نشریات دانشجویی را در صلاحیت کمیته ناظر بر نشریات و کمیته انضباطی دانشجویی قرار داده است. با دانشجویان به دلیل اظهار نظر آن‌ها از جمله در موارد مکرر صرفاً به دلیل ذکر نام و چاپ عکس رییس‌جمهوری محترم سابق توسط دادسراهای عمومی و انقلاب صورت گرفته است.

از جنابعالی به عنوان وزیر دادگستری و نیز از ریاست محترم جمهوری به عنوان مسئول اجرایی قانون اساسی انتظار می‌رود از حقوق دانشجویان دفاع کنید و در قبال تعدیات مکرر به حقوق آن‌ها بی‌تفاوت نباشیدبر این اساس خواهشمند است پاسخ دهید علت برخوردهای قضایی خلاف ضوابط قانونی با نشریات دانشجویی چیست و چرا جنابعالی در قبال این برخوردها ساکت و بی تفاوت هستید.

## دکتر صالحی در مصاحبه اختصاصی با وقایع‌اتفاقیه:



### همه در برابر قانون یکسانند

و یا محدوده‌ی شما با آدم‌های اطراف از جمله معلم، در چه حدی هست و هیچ تاجینگ یا لمس نباید وجود داشته باشد و ممنوع است. در مواردی که این امکان وجود دارد، در قانون مشخص شده است. مثلاً فرض کنید که مربی ورزش ژیمناستیک که آموزش می‌دهد و در آن صورت محدوده لمس کاملاً مشخص است وگرنه در موارد دیگر قانون کاملاً صراحت دارد و به هیچ وجه من‌الوجه ارتباط از یک حد خاصی نباید فراتر رود و این حقوق را هم کودک، هم والدین، هم جامعه و هم آن مربی می‌داند. باید از این موارد درس گرفت، آن‌ها را کاملاً روشن مطرح کرد و اجازه ندهیم یک خطا چندین بار تکرار شود. اگر ما یک بار گزیده شدیم این یک اشتباه است اما اگر در قبال این اشتباه واکنش عقلانی انجام ندهیم و یک اشتباه مکرر تکرار شود این نشانه حماقت است و این حماقت می‌تواند در سطح فردی باشد و یا در سطح جمعی باشد. بنابراین باید به صورت کاملاً باز، آزاد، روشن و منطقی با این مسائل برخورد کرد و برای پیشگیری از آنها کاملاً فکر کرد و عمل کرد.

**- سانسور خبری چه تأثیری بر امنیت روانی شخص خاصی دارد و آیا منجر به قانون‌شکنی بیشتر نمی‌شود؟**  
- فکر می‌کنم پاسخ این سوال روشن است، بخصوص اگر فرد احساس کند که دیگران از این داستان ترسی دارند و حاشیه امنی برایش فراهم است، مسلماً و صد در صد این اثر را نه تنها بر فرد خاصی بلکه بر کسانی که زمینه‌های جرم را دارا هستند و در این موقعیت‌ها قرار دارند ایجاد خواهد کرد و این محدوده و حاشیه امن محدود به فرد خاصی نخواهد شد و تأثیری به صورت الگوسازی برای خاطیان و مجرمان احتمالی خواهد داشت. ببینید این که بگویند اگر شما بخواهید روی این پرونده کار بکنید و آبروی مرا ببرید، من صد نفر را با خودم

نیست. مثلاً هر کسی وارد حیطه تعلیمات حوزوی شد، آیا این فرد میرا از تمامی خطاها و هر نوع بیماری و آسیب است؟ خیر. نه چنین چیزی تا به حال وجود داشته و نه چنین قاعده‌ای هست. مثل این که ما انتظار داشته باشیم هر کس بسکتبال بازی بکند قذبلند می‌شود حتی اگر هم اکنون هم قد کوتاهی داشته باشد. خیلی از افراد هم‌چنان این‌گونه فکر می‌کنند ولی این غلط است، بنابراین من معتقدم که در این گونه موارد، دولت باید کاملاً رسانه‌ها را آزاد بگذارد که با صداقت و با حداقل سوگیری محدوده مشکل را مشخص بکنند و حساب یک فرد را از حساب یک رویکرد و از حساب یک شغل یا ایدئولوژی جدا بکنند. اتفاقاً این امر به مردم آگاهی می‌دهد که من بعد با چشم باز، با آگاهی و هوشیاری بهتری تصمیم‌گیری کنند. ضمن این که به دولت‌مردان و سیاست‌گذاران هم یادآور می‌شود برای مواردی از این دست، چهارچوب، مقررات و قوانین وضع کنند. چندین دهه در بسیاری از کشورهای دنیا تمامی افرادی که با قشرهای آسیب‌پذیر مثل کودکان، بیماران و سالمندان سر و کار دارند، باید سوابقشان توسط پلیس چک شود و بخصوص در مورد کسانی که با کودکان سر و کار دارند، حتماً و اکیداً باید مصاحبه‌های روانشناسی و روانپزشکی هم بشوند. این کار محدود به یک بار نمی‌شود، این قشر کاملاً زیر ذره‌بین هستند و کوچکترین مشکلی توسط والدین و یا بچه‌ها گزارش می‌شود، ببینید، وقتی در مورد sex education صحبت می‌کنیم، آن چیزی که در غرب حتی در دوران پیش‌دبستانی و دبستانی مطرح می‌شود، این است که به کودک همین نکات گفته می‌شود که این بدن توست، این اندام‌های توست و یک مناطقی از بدن مخصوص خود تو هست و هیچکس حق ندارد به آنها دست بزند

## دانستن حق مردم است؟!

### تاریخچه سانسور خبری

به رسمیت شناخته نمی‌شود. سانسور خبری طی یک روند ثابت تا سال ۷۶ ادامه پیدا می‌کند. تا پیش از طلوع اصلاحات پنهان کردن اخباری مانند مجازات سنگین متهمان یکی از مصادیق بارز آن دوران بوده‌است. در نیمه دوم دهه‌ی ۷۰ پس از وقوع سلسله حوادث مربوط به حوزه نشریات و روزنامه‌ها در واکنش به اقدامات دولت اصلاحات، این کنترل شدیدتر می‌شود و برخی از نشریات به دلیل چاپ اخبار محرمانه (به گفته شایگان) توقیف شدند. پس از عبور از رخدادها و وقایع سال ۸۸ نیز حوزه مداخله این پدیده به اوج خودش رسید و کنترل بر نشریات و وب سایت‌های خبری شدت یافت که می‌توان توقیف ۴۶ نشریه و مسدود شدن وبسایت‌ها (چه

شده به طور رسمی پی ریزی شد اما مبدا زمانی اوج گیری این پدیده بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است، زمانی که شاه برای کنترل امور سعی داشت اخبار را از یک فیلتر جدا کننده عبور دهد تا بتواند از اعتراضات مردمی جلوگیری کند. پس از تأسیس سازمان امنیت در سال ۱۳۳۴ سانسور شدت بیشتری به خود گرفت چرا که عدم برخورداری از وسایل ارتباطات جمعی برای مردم می‌توانست نقش مهمی در بی‌خبر نگه داشتن آن‌ها ایفا کند. پس از انقلاب، خفقان به شکل گذشته‌اش از بین می‌رود و قوانینی مبنی بر حقوق آزادی بیان در چهارچوب قانون اساسی جای می‌گیرد ولی به عقیده برخی از منتقدین سیاسی سانسور همچنان نقش پررنگی را ایفا می‌کند و در عمل حق آزادی بیان



باین می‌کشم و آبروی دوپست نفر را می‌برم، اصولاً جزء یکی از نشانه‌های اختلال شخصیت است. شما در دوران کودکی مشاهده می‌کنید که بعضی از کودکان به علت شیوه‌های خاص تربیتی پدر و مادر خود وقتی که به مهمانی می‌روند، کاملاً درک می‌کنند که اگر آنجا شروع به سر و صدا کردن و یا آبروریزی کردن بکنند، می‌توانند از پدر و مادر خود امتیاز بگیرند و این کار را می‌کنند و پدر و مادر هم به آنها امتیاز می‌دهند و از همین جا زمینه‌های اختلال شخصیت، رشد و پرورش می‌یابند.

**آیا بازتاب خبری از مجاری غیر قانونی و حجم زیادی از اخبار ناموثق، منجر به هجمه و فشار بیشتری نسبت به فرد خاطی (در مقایسه با خود جرم) نخواهد شد؟**

- ببینید اولاً این جزء وظایف سیستم قانونی و سیستم قضایی هست که به وظیفه خود عمل کند اگر موردی هست که حالت محرمانه دارد تا زمانی که اثبات جرم نشده باید کاملاً در حالت محرمانه باقی بماند. به دلیل این که اولاً آبروی یک فرد، آبروی یک خانواده و یک قشر در میان است و ممکن است عده‌ای هم سوءاستفاده کنند. تا زمانی که چیزی ثابت نشده کاملاً باید محرمانه باقی بماند. اما زمانی که هنوز جرمی مشخص نیست اطلاعات منتشر می‌شود، اولاً باید نقص سیستم در زمینه انتشار اطلاعات رفع شود و این که به چه نیتی و چه افرادی چنین اطلاعاتی را منتشر می‌کنند. اما اگر در مرحله بررسی اطلاعات منتشر شد بلافاصله باید نماینده و سخنگوی رسمی سازمان مجری قانون با رسانه‌ها صحبت کرده و بگوید که مساله در حال پیگیری است و هنوز چیزی مشخص نیست و یا در این حد مشخص است و به عبارتی یک سیاست روشن و صریحی را در قبال این مساله اتخاذ بکنند و از آنجا به بعد یک شکاف اطلاعاتی طولانی مدتی را برای جامعه به وجود نیاورند. یعنی اگر مساله حساس است همین سخنگو هفته‌ای یک بار در خصوص پیشرفت‌هایی که پرونده داشته است نشست خبری داشته باشد و یا خودش اطلاعات را به رسانه‌ها بدهد و وقتی که مردم احساس می‌کنند که قانونگذار، مجری قانون و یا سیستم قضایی به وظیفه خودش کاملاً شفاف و کاملاً متعهدانه عمل می‌کند و اتفاقاً موارد مربوط به شایعات را هم مشخص می‌کنند و تکذیب کرده و رد می‌کنند، جلوی بسیاری از نشر اکاذیب و آبروریزی‌ها و همچنین فشار روانی غیر ضروری بر فرد گرفته می‌شود و حداقل احساس می‌کند که مورد ستم واقع نشده و اگر هم قرار است مجازات شود، به حق مجازات می‌شود و قانون به وظیفه خود در قبال او عمل می‌کند و بنابراین این نوع سیاست یعنی شفافیت در اطلاعات و برخورد با این نوع مسائل باید در سیستم وجود داشته باشد، البته مشروط بر این که قضیه یک بام و دو هوا نباشد، یعنی همه در برابر قانون و در برابر مقررات کاملاً یکسان باشند و بدون ملاحظات سیاسی و بدون ملاحظات خاص، قانون در جامعه اجرا شود و از این طرف و آن طرف بیامی نباید و اگر هم آمد به آن توجهی نشود مگر این که مربوط به قشری باشد که متخصص این حوزه باشند، مثلاً فرض کنید متخصصان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مورد مشورت قرار بگیرند که مثلاً در این مورد چگونه عمل کنیم. اما سفارشات شخصی و سفارش از سمت کسانی که تخصصی در حوزه رسانه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و ... ندارند توسط مجریان قانون و قوه قضاییه به هیچ وجه نباید وارد کار کارشناسی‌شان شده و آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

### مهديه ياورى

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳



**پیش مصاحبه:** پیرو موضوع نگاه ویژه این شماره، طی مصاحبه‌ای با دکتر صالحی بحث سانسور خبری را از منظر روانشناختی مورد بررسی قرار دادیم. دکتر جواد صالحی فارغ‌التحصیل دکترای روانشناسی از انگلستان و عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد با وجود این که برای فرصت مطالعاتی در آمریکا به سر می‌برد، طبق معمول با روی گشاده و سعه صدر فراوان دعوت ما را برای مصاحبه تلگرافی پذیرفت. در ادامه خلاصه‌ای از مصاحبه با وی را می‌خوانید:

**- گاهی دیده می‌شود مقامات کشور، به منظور حفظ امنیت و سلامت روانی کشور از انتشار اخبار و رویدادها ممانعت به عمل می‌آورند، به نظر شما با توجه به وجود فضاهای مجازی و تأثیر آنها در گردش اطلاعات، این شیوه در حصول به این هدف تا چه حد مؤثر بوده است؟**

- بنده فکر نمی‌کنم که هیچ کسی در کشور بتواند به این سوال پاسخ دهد مگر این که مطالعه سیستماتیک انجام شده باشد، یعنی این که اولاً در یک جاهایی حفظ امنیت و سلامت روانی کشور مدنظر حاکمان بوده، نه حفظ چارچوب‌های نظر مردم نسبت به حکومت و عملکرد حکومت، دوم این که بحث سلامت روانی مردم را نه بنده در این فضا سنجیده‌ام و نه شخص دیگری تا به حال این متغیر را سنجیده است. لذا نمی‌توان به این سوال جواب داد که این کار تا چه حد مؤثر بوده است، ولی این که این عمل از نظر علمی تأیید می‌شود یا خیر، سوال دیگری است که شاید منظور دوستان این سوال بوده که اصولاً بهانه و دلیلی برای این که مردم را سانسور اطلاعاتی کنیم و از خبرها مطلع نکنیم درست است یا خیر. ببینید وقتی مسأله امنیت و سلامت روانی کشور واقعاً مطرح باشد و در این خصوص سند یا مدرکی وجود داشته باشد، علی‌القاعده بهتر است این کار انجام نشود، با تأکید بر این که اگر مساله امنیت کشور مطرح باشد. اما اگر یک سری شائبه‌ها و یا ملاحظات خاصی هست که قشر بخصوصی آسیب ببینند، به نظر بنده این کار غلط است. ببینید اولاً سوال را مستقیم مطرح بکنید، مثلاً اگر بحث یک قاری قرآن مطرح شده که احتمال سابقه ارتباطات نامشروع با متعلمان را داشته، باید یک صاحب رسانه این مساله را به صورت مستقیم مطرح بکنند، در این جا ملاحظات اصلاً معنا ندارد. ببینید این نوع مخفی‌کاری‌ها غلط است، مردم را نباید جاهل فرض کنیم، مردم شعور دارند، مردم می‌فهمند که در بین قضات هم قاضی هست که رشوه می‌گیرد، در بین پزشکان هم کم نیستند پزشکانی که کار خلاف می‌کنند، در قشر معلمان هم هستند، در بین روانشناسان هم این افراد وجود دارند. آیا مردم به سیستم قضایی مراجعه نمی‌کنند؟ آیا مردم به پزشک نمی‌روند؟ در غرب شاهد این هستیم که بحث ارتباطات خاصی در کلیساهای بزرگ مطرح می‌شود که خوب این مساله را رسانه‌ای می‌کنند. این که یک فردی در یک قشر خاصی دچار انحراف شخصیتی یا روانی باشد و یا به تعمد خطایی بکند بحث خیلی عجیبی نیست، اتفاقاً باعث می‌شود که مردم از کلیشه‌های ذهنی خود خارج شوند، مگر این که ما بخواهیم مردم را در قالب‌های ذهنی غیرواقعی و کلیشه‌ای نگه داریم که این کار درستی

### محدثه احمدی

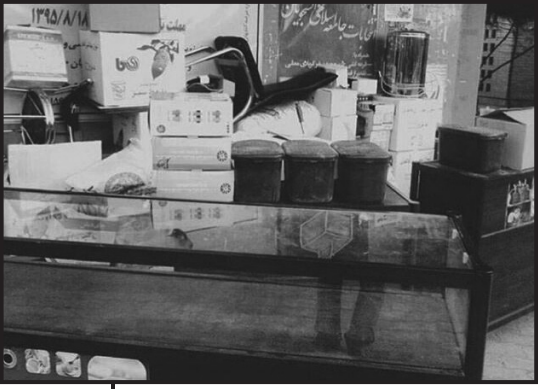
کارشناسی شهرسازی ۹۲



در این مطلب برآنم تا به پدیده سانسور خبری از منظر تاریخی نگاهی بیندازم. بررسی روند تاریخی ممیزی اخبار نمی‌تواند از تاریخ خود اخبار جدا باشد و دخالت در گردش آزادانه اخبار و اطلاعات همیشه وجود داشته است لذا نمی‌توان تاریخ دقیقی برای پیدایش آن تعیین نمود. این کنترل خبری در بعضی دوران‌ها شدید و در بعضی ادوار با کمک وضع قوانین آزادی بیان باز هم تشدید شده‌است! شاید بتوان گفت که بنای اصلی سانسور خبری در ایران، زمان ناصرالدین‌شاه با تأسیس اداره سانسور برای کنترل مطبوعات و نشریات چاپ

## کافه کلاس تعطیل شد!

اولین بار گرم در دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی با مدیریت مرتضی بلوکی که توانسته بود در دل بسیاری از دانشجویان علی الخصوص دانشجویان مهندسی جا باز کند به علل نامشخصی تعطیل شد. شنیده ها حاکی است دانشجویان دانشکده مهندسی طی نامه ای با ۶۰۰ امضا اعتراض خود را نسبت به این اقدام مسئولان دانشکده مهندسی اعلام کرده‌اند. وقایع اتفاقیه در راستای رسالت صنفی خود این اتفاق را پیگیری می کند.



## گزارشی از نشست تحلیل انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در دانشگاه فردوسی

### ترامپ و کلینتون در دانشکده علوم اداری



فریبا قاسم زاده  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۱

پیش گزارش: سه شنبه ۱۸ آبان ماه قرار است انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برگزار شود. این انتخابات پس از گذر از چند مرحله دو داوطلب جدی و سرسخت دارد؛ هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ. هیلاری کلینتون داوطلب زن دمکرات این انتخابات دارای سابقه فعالیت در حوزه سیاست است اما ترامپ چنین سابقه‌ای ندارد. این مساله در کنار زن بودن کلینتون و مرد بودن ترامپ باعث شده که هر کدام طرفداران خاص خود را داشته باشند. چندی پیش مناظره این دو کاندیدا در دانشگاه نوادای آمریکا صورت گرفت و این امر نشان داد که آمریکایی‌ها تا چه اندازه نقش نهاد دانشگاه را در انتخابات کلیدی می‌دانند. اما فرسنگ‌ها آن‌سوتر در دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، هفته‌ی گذشته به همت انجمن علمی علوم سیاسی تحلیل این انتخابات صورت گرفت که در ادامه خلاصه صحبت‌های سه سخنران این جلسه را می‌خوانید:

#### فدرالیسم طبیعی در آمریکا

دکتر محمدجوادرنجکش سخنران اول این جلسه گفت: یکی از نظریات مربوط به دولت نظریه قرار داد اجتماعی است. این نظریه یک نظریه قوی عقلانی است اما اصلا تاریخی نیست. این نظریه به این معنا است که همه افراد وظایفی را برای یک قدرت بزرگ‌تر انجام می‌دهند. در تاریخ چنین مساله‌ای وجود ندارد اما ما آن را در سیاست آمریکایی می‌بینیم. نظریه قرارداد اجتماعی از عقلانیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به این معنا که چند نفر قدرت را به یک نفر می‌دهند و سپس از آن تبعیت می‌کنند. از سوی دیگر تنها کشوری که سیستم قانون اساسی‌اش تطابق واقعی با قرارداد اجتماعی دارد آمریکا است و آغاز این حرکت از قرن هجدهم میلادی بوده است. فدرالیسم آمریکا تنها فدرالیسمی است که طبیعی است. ما دو نوع فدرالیسم داریم؛ یکی فدرالیسم مکانیکی است که براساس نیازهای کشور ایجاد می‌گردد و دیگری فدرالیسم طبیعی است. فدرالیسم آمریکا طبیعی است به این شکل که دولت آمریکا به این نتیجه رسید که فدرالیسم از گزینه‌های دیگر برای آن کشور بهتر است. ما در هیچ‌جا نظام حزبی به معنایی که در آمریکا می‌بینیم نداریم. همچنین کالج انتخاباتی در نظام آمریکا در دنیا بی‌سابقه است. از همه این‌ها می‌شود این نتیجه را گرفت که انتخابات آمریکا خاص است.

اول آن‌که ممکن است نظرسنجی‌ها دقیق نباشند. دوم آن‌که شخصیت ترامپ و رفتارهای نابهنجار او کاری کرده که مردم خیلی راغب نباشند که علاقه خود به انتخاب او را اعلام کنند اما در عمل او را بخواهند گزید.

دلیل سوم بیماری کلینتون است. خصوصا در چند هفته اخیر که خیلی روی آن بحث شد و بحث تا جایی پیش رفت که جلسه‌ای تشکیل شد تا فردی جایگزین کلینتون شود. مساله دیگر، مسائل حقوقی کلینتون است که ممکن است برای او ایجاد مشکل کند. یکی دیگر از اتفاقاتی که ممکن است بر روی رای‌گیری تاثیر بگذارد حملات تروریستی است که با توجه به این‌که در حال حاضر دمکرات‌ها در قدرت هستند ترامپ می‌تواند از این حملات به عنوان نقطه ضعف دولت استفاده کند. همچنین مساله بلایای طبیعی نیز می‌تواند در روند رای‌دهی تاثیر بگذارد.

همه‌ی این مسائل را می‌توان در کنار زن بودن کلینتون گذاشت که ممکن است عده‌ای را به سمت مخالفت با او سوق دهد. البته این زن بودن می‌تواند از طرف فمینیست‌ها نقطه قوت تلقی شود اما اگر زن بودن را از نظر ضعف در کنار بیماری ببینیم ممکن است از طرف گروه‌های مردگرا باعث شود که به عنوان یک نقطه ضعف تلقی گردد. بحث دیگری که در مناظرات انتخابات این دوره وجود دارد این است که ترامپ با اینکه شخصیت مشهوری است اما مانند کلینتون سابقه‌ی سیاسی ندارد که البته می‌تواند یک نقطه‌ی قوت برای ترامپ محسوب شود.

مالیات تاکید دارد که هر کدام نیز دلایل خود را دارند. از سوی دیگر ترامپ اظهار کرده که مالیات‌ها را از ۲۳ درصد به ۱۵ درصد کاهش خواهد داد در حالی که کلینتون عنوان کرده کاهش مالیات موفق نخواهد بود و خواهان سرمایه گذاری بر روی طبقه متوسط است.

در صحبت‌های کلینتون ردپای فمینیسم لیبرال که مبنای آن تساوی حقوق زن و مرد است دیده می‌شود. این را مقایسه کنید با موسم کاندیداتوری در ایران که واژه‌ای به نام رجل سیاسی بحث روز می‌شود. در آمریکا به این گزاره نقد وارد کرده‌اند که زنانی که سابقه کار سیاسی دارند به واسطه زن بودن نمی‌توانند رئیس جمهور شوند اگر کلینتون رای آورد نشان می‌دهد که این تابو شکسته می‌شود. کلینتون همچون دیگر دمکرات‌ها بر طبقه متوسط، خرده سرمایه‌گذار و سیاه پوستان توجه دارد از طرف دیگر ترامپ مانند دیگر جمهوری خواهان بر سرمایه داران و سفید پوستان تمرکز دارد.

#### آیا ترامپ رئیس جمهور می‌شود؟

دکتر سیداحمد فاطمی‌نژاد تصریح کرد: من می‌خواهم در رابطه با این موضوع صحبت کنم که چرا ممکن است ترامپ رای بیاورد. در حال حاضر قریب به اتفاق نظرسنجی‌ها حاکی از این است که خانم کلینتون رای خواهد آورد اما این نظرسنجی‌ها به تنهایی برای اطمینان از برگزیده شدن کلینتون کافی نیست و ممکن است با وجود چیزی که نظرسنجی‌ها به ما نشان می‌دهد ترامپ انتخاب شود که چند دلیل دارد:

بنیان‌گذاران آمریکایی درباره‌ی قانون اساسی و آمریکا دو دغدغه داشتند؛ یکی این‌که حکومت به پوپولیسم منجر نشود و دیگر آن‌که قدرت رئیس جمهور آن چنان بالا نرود که توانایی بخش‌های دیگر در ساختار سیاسی را از بین ببرد. بر همین اساس در قانون اساسی آمریکا سه شرط آمده که به شکل زیر است:

۱. رئیس جمهور باید فطرتا آمریکایی باشد یعنی در زمان پیدایش این قانون خانواده او در آمریکا بوده باشند.
۲. تبعه آمریکا باشد.
۳. حداقل به مدت ۱۴ سال در آمریکا زندگی کرده باشد.

آمریکا تنها کشوری است که خود را علنا مصلحت‌گرا می‌داند. آن هم مصلحت‌گرایی از نوع نخبه‌گرای دموکرات.

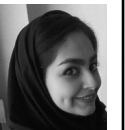
در ریاست جمهوری آمریکا چند فرآیند برای انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد و این کار تنها به یک مرجع سپرده نمی‌شود.

#### جایگاه دانشگاه در نقد کاندیداتورها

در ادامه دکتر محسن خلیلی عنوان کرد: مکانی که برای مناظرات انتخاباتی آمریکا برگزیده می‌شود دانشگاه است؛ یعنی جایی که مجریان سرشناس خبری و دانشجویان هستند. این مساله نشان‌دهنده جایگاه دانشگاه در مقام نقد کاندیداتورها می‌باشد. در مناظرات اگر دقت کنید می‌بینید دمکرات‌ها به دخالت حداقلی دولت بیشتر از جمهوری خواه‌ها تمایل نشان می‌دهند. دیدگاه‌های کلینتون بر افزایش مالیات تمرکز دارد و ترامپ بر کاهش

## نیم ساعت با تمدن غرب

نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دو رویه بورژوازی غرب



بهاره ابراهیمی  
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۴

جلسه سوم «نیم ساعت با کتاب» جهاد دانشگاهی در دانشکده علوم توسط خانم فاطمه آصفی روز دوشنبه ۱۰ آبان ماه برگزار شد. آصفی چنین گفت: شروع عصر رنسانس در اروپا نتایجی را با خودش به دنبال داشت که از جمله آن خروج اروپایی‌ها از قاره خود به سایر قاره‌ها برای به دست آوردن مواد اولیه موردنیاز برای کارخانه‌های بزرگ صنعتی‌شان بود. این اتفاق با دو رویکرد استعمار و استثمار انجام گرفت. نحوه مواجهه کشورهای جهان سوم به ویژه جهان اسلام و به طور خاص کشور ایران همیشه جزو دغدغه‌ها و چالش‌های علما و روشنفکران از سده‌ی ۱۶ تا کنون بوده است. حال سوال‌هایی که مطرح هست این است که واژه تمدن غرب و غرب زدگی از چه دوره‌ای وارد دایره لغات ما شد؟ عصر رنسانس چه دستاوردهایی را برای جامعه بشری به دنبال داشته است؟ تمدن غرب دارای چه زیربنایها و شاخه‌هایی بوده است؟ پاسخ تمام این سوال‌ها به صورت کامل در کتاب «نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه بورژوازی غرب» بررسی می‌شود که این کتاب به نویسندگی دکتر عبدالهادی حائری، دارای ۶۳۶ صفحه هست و در ۱۲ فصل همان طور که از اسم طولانی آن مشخص است به طور کامل و جامع، تاریخ ایران را بعد از استیلای مغول در دوره سلطنت صفوی و عصر رنسانس در اروپای مسیحی بررسی می‌کند. آصفی پیرامون نویسنده اثر افزود: دکتر عبدالهادی حائری متولد سال ۱۳۱۴ در قم که دوره کارشناسی خود را در رشته الهیات در دانشگاه تهران و

## جنس بی فایده؟!

معرفی کتاب «جنس ضعیف»



سودا باقری  
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴

همیشه به دنبال برگزاری برنامه‌ای در دانشگاه بودم که خودم و سایر هم دانشجویان‌هایم باهم کتابهایی را بشناسیم، بخوانیم و از آنها لذت ببریم که متوجه شدم سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی مرا به خواست‌های رسانده و جلساتی با عنوان «نیم ساعت با کتاب» برگزار می‌کند. در این جلسات چهار زمان، چهار کتاب و چهار فرد مشخص می‌شوند و طی همان بازه‌ی زمانی مربوط به معرفی و صحبت پیرامون آن کتاب می‌پردازند. برنامه‌ها را که نگاه کردم «جنس ضعیف» بود که مرا ترغیب کرد. ساعت ۱۲ روز سه‌شنبه درپ ورودی دانشکده شیمی، کلاس ۴ که البته به دلیل ناهماهنگی‌های ایجاد شده استادان حل تمرین در آمفی تئاتر مجاور برگزار شد. همه در کنار هم ۵ نفر بودیم و جوی کاملاً صمیمی و بدون تشریفات رسمی. نام اصلی کتاب «جنس بی مصرف» یا «جنس بی فایده» بود. مگر زن‌ها از بقیه جدا هستند؟ آن‌ها از سیاره‌ای غریبه آمده‌اند که همیشه باید جداگانه در مورد آن‌ها مطلب نوشت؟ معرفی کننده این کتاب هانیه بافکر بعد از قرائت قسمتی تامل‌برانگیز از کتاب، مختصری از زندگی نویسنده یعنی اوربانا فالاجی را شرح داد و از مترجم اولیه کتاب ویدا مشفق و سپس یغما گلرویی نام برد. تعداد زیادی از کتاب‌های چاپ شده و منتخب فالاجی را نیز ذکر کرد. این کتاب سفرنامه و مستندی است از سفرهای نویسنده به کشورهای پاکستان، اندونزی، هند، چین(هنگ کنگ)، ژاپن و هاوایی و وضعیت زنان در این کشورها را بررسی می‌کند. معرف مسلط این کتاب



مهم‌ترین فایده این کتاب را بیان آداب و رسوم دیگر کشورها دانست و روشن ترین اثر این کتاب بر ذهن مخاطب را به چالش کشیدن آن (که اگر این نویسنده به ایران می‌آمد چه می‌نوشت؟ وضع ایران در رابطه با زنان را چگونه شرح می‌داد؟) می‌خواند. این معرف در انتها نتیجه‌گیری نویسنده در پایان کتاب را نوعی ضعف دانست و اظهار کرد که بهتر است نتیجه را نویسنده به مخاطب واگذار کند.

# کافه تریا



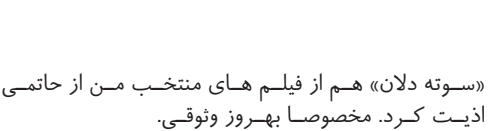
سارا شجاع
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

گاهی فیلم های هنرو تجربه نماینده خوبی برای نشان دادن دنیای عمیق و در عین حال شیرین پشت پرده نمایش نیستند. اما یک سری فیلم ها مانند میرو سمبل های قابل تأملی هستند.میرو فیلمی به کارگردانی هادی محقق و تهیه کنندگی مجید بزرگر و همچنین نقش آفرینی یدالله شادمانی، میثم فرومند و فاطمه بهادر است که همچنین دومین اثر هادی محقق پس از «او خوب سنگ می زند» بوده که توانسته در جشنواره‌های مختلف جهانی به نمایش درآید و موفق به کسب جایزه شود.میرو برنده جایزه بزرگ بخش «جریان‌های نو» جشنواره فیلم بوسان کره جنوبی شد و در جشنواره‌های بسیاری مثل کرالا هند، جشنواره فیلم‌های ایرانی کلن و زوریخ، جشنواره پکن، ویلینیوس لیتوانی و پونا هند شرکت کرده است. این فیلم در جشنواره سی‌چهارم فیلم فجر از نامزدهای دریافت جایزه در بخش هنروتجربه بود.

«میرو» به معنای «نامیرا» داستان زندگی پرمشقت پیرمرد(به نام ایاز) روستایی است که قربانی تقدیرش شده است و دیگر هیچ…

فیلم با روند کندی در طبیعت بکر کوهستانی آغاز می‌شود و «هادی محقق» در همان ابتدا فیلم به ما

### حرف‌های عجیب فراستی در برنامه هفت



«سوته دلان» هم از فیلم های منتخب من از حاتمی بود اما دوباره الان که آن را دیدم این اداهای فیلم من را اذیت کرد. مخصوصا بهروز ونوقی.

علاقه علی حاتمی نوستالژی است و بدترین نوستالژی علی حاتمی «مادر» است. «مادر» ضدمادر است و انتقام فیلم‌ساز از مادرش است!

او در نهایت علی حاتمی را به «فتیشیسم اشیاء» (یادگارپرستی وضعیتی روان شناختی است که در آن یک شی (fetish) یا بخشی از یک انسان سبب برانگیختگی جنسی و حتی در موارد خاص، ارضای جنسی می شود) متهم کرد که به نوعی اختلال روانی جنسی محسوب می شود.



نیمه اول آبان ۹۵

## به نام پروردگار مستضعین

### مَمیرو؛ در تمنای چشیدن طعم مردن و نمردن

با همه اینها به نظر من تنها نقطه ضعف بارزی که در شخصیت پردازی ایاز بود، این بود که هادی محقق به نشان دادن عذاب ها و جنون ظاهری اکتفا می‌کند و نقاط عمیق دردهای درونی ایاز برای مخاطب تا انتها همچنان پنهان می‌ماند که این خود خلایبی در روایت پردازی محسوب می‌شود.

اما دومین نقطه عطف داستان پیوند ماهرانه طبیعت بکر با این سیاهی و تلخی ها و رابطه انسان و طبیعت بود. تصویر برداری و کادر های میرو بسیار دل انگیز است و روح مخاطب را نوازش می‌کند. تمام سکانس های فیلم طی چهل روز در در روستای دژکوه شهر سوق از منطقه کهگیلویه و بویراحمد، محل زادگاه کارگردان فیلمبرداری شد. که همین احساس تعلق و شناختی که او از آن مناطق داشت قطعاً در بی همتا کردن تصویربرداری از طبیعت بی تاثیر نبوده است. نکته جالب دیگر این است که خانه اصلی که در آن فیلمبرداری می‌شد، خانه مرحوم حسین پناهی است.

میرو تجلی احساسات بدون کلام است. میرو فیلم باارزشی با دید تازه و خاص است که از فضای سینمای عباس کیارستمی هم دور نیست. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که دانستن قدر اینگونه فیلم ها در ایران پروسه‌ای زمان‌بر است. و در آخر اینکه مشخصاً میرو فیلم سختی است هم ساختنش هم دیدنش سخت است. اگر بی حوصله هستید و طاقت سکوت و روند

## به نام کمپانی ها، به کام بیننده ها

می توان انتظار یک حادثه بزرگ در تاریخ سینما را داشت. ظرافتی که مارول در انعطاف بخشی به شخصیت های خود نشان داده آن ها را ماندگار کرده است. داستان قهرمان های مارول همیشه جدی نیست و در آن موجی از طنز نیز به چشم می خورد. کاری که می تواند در نشان دادن چهره انسانی این قهرمانان موثرتر باشد. آن ها در عین ابر موجود بودن، انسان هم هستند و معمولی. این داستان را باورپذیرتر می کند.

از دیگر سو رقیب مارول یعنی دی سی نیز کمی دیرتر کار خود را آغاز کرد. به نظر می رسد آن ها پس از مشاهده موفقیت های مارول تصمیم گرفتند در این مسیر گام بردارند که البته قدم های ابتدایشان خیلی محکم و استوار نبود. باید دقت داشت که سه گانه «شوالیه تاریکی» کارگردان معروف «کریستوفر نولان» در این مجموعه به حساب نمی آید. با این حال شوالیه تاریکی شاید الگوی خوبی برای شروع این حرکت باشد. اما به نظر می رسد این الگوبرداری موفق نبود.

«سوپرمن» و «بن‌من» اصلی ترین کاراکترهای این کمپانی هستند. این کمپانی توانست در فیلم «مردی از فولاد» که داستان سوپرمن بود خیلی موفق عمل کند. پس از

«هالک» از نخستین آثاری بود که مارول آن را طراحی و تولید کرد. غولی که در نتیجه آزمایشات پرتوی به وجود آمد. پس از آن «مرد آهنی»، سپس «کاپیتان امریکا» و.. معرفی شدند. اما شاید کسی به درستی از طرح مارول خبر نداشت. طرحی که برای نخستین بار در فیلم «انتقام جویان» به روی پرده رفت. همه قهرمانان یک جا جمع شدند و در برابر خطری بزرگ که دنیا را تهدید می کرد، ایستادند. اصلی ترین شاخصه این فیلم آن بود که توانست به جای یک ابر قهرمان، یک تیم از قهرمانان را تصویر کند. کاری که علاوه بر عظمت بخشی به اثر، نیازمند دقت و ظرافت زیادی بود. مارول با این فیلم سود کلانی را به دست آورد و قرار است پروژه خود را تا ۴ قسمت دیگر هم ادامه دهد.

اما حساب شدگی این آثار به همین جا ختم نمی شود. آن ها شروع به ساخت آثاری موازی کردند. به عنوان نمونه «محافظان کهکشان» نیز یکی دیگر از آثاری بود که از کمیک ها الهام گرفته شده بود و در عین حال ربطی به تیم انتقام جویان نداشت. اما این ققط ظاهر ماجراست و قرار است این دو داستان در یک جا به هم برسند. پس



سعید کریم پور
فارغ التحصیل حقوق

همه ما دنیای ابرقهرمانان را می شناسیم. دنیایی که از هالیوود آغاز و امروز کل دنیا را فرا گرفته است. شاید امروزی ترین داستان های حماسی مربوط به همین قهرمانان کمیک بوکی است که حال بر پرده نقره ای جان گرفته اند. اصلی ترین شاخصه این قهرمانان، امروزی بودن است؛ ویژگی که شاید قهرمانان دیگر فرهنگ ها از آن برخوردار نباشد.

در واقع هالیوود به سمت به روز کردن قهرمانان خود گام برداشته و انعطاف زیادی در معرفی آنان نشان می‌دهد. اصلی ترین معرفان ابرقهرمانان دو کمپانی «دی‌سی» و «مارول» هستند. دو کمپانی که از دیرباز به معرفی قهرمانان در قالب های روز می پردازند. اما در بین این دو مجموعه شاید مارول کمی حساب شده تر کار را آغاز کرد. آن ها یک پروژه ۲۰ ساله را کلید زدند که تقریباً از سال ۲۰۰۰ آغاز و تا ۲۰۲۰ ادامه خواهد یافت. آن ها پیشگامان معرفی قهرمانان به سبک امروزی هستند.

### بازیگری که روحش را به شیطان فروخت!

به بهانه حضور حامد بهداد در مشهد

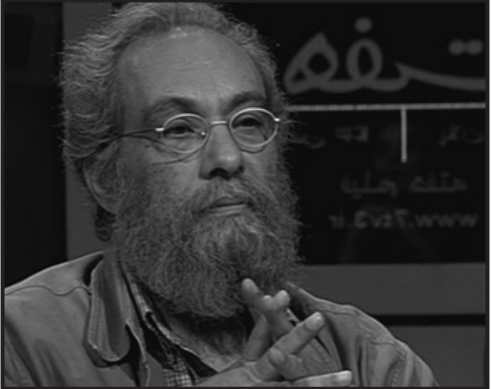


آتوسا آریایی

کارشناسی روزنامه نگاری ۹۱

عشق‌های نامتعارف همواره دست‌آویزی مطلوب برای کارگردانان جهان بوده است که در یک بستر مناسب، داستانی پر کشش را روایت کنند؛ «نیمه شب اتفاق افتاد» از آن گونه فیلم‌هایی است که قرار بود با دنبال کردن سوژه نسبتاً قدیمی عشق پسر جوان به زنی بزرگتر از خودش دوباره شور و حال و خاطرات فیلم‌هایی با این تم را در ذهن مخاطب زنده کند. به خصوص که انتظار می‌رفت حضور یک کارگردان و نویسنده زن در جوار همدیگر نتیجه‌ای مطلوب از واکاوی احساسات زنانه و روایتی بی‌لکنت از قصه را در فیلم به مخاطب عرضه کند.

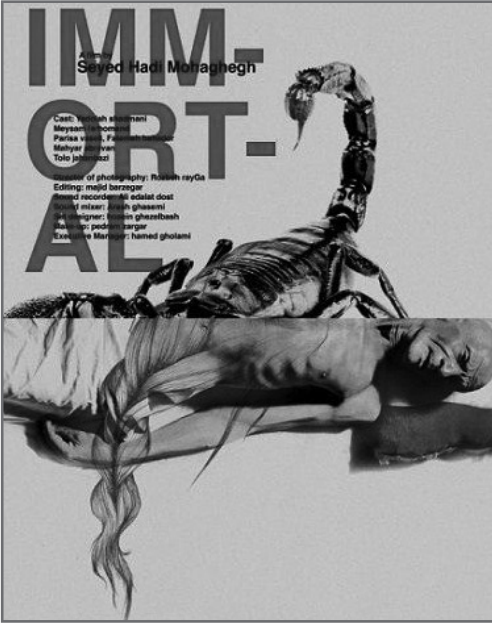
کارگردان فیلم تینا پاکروان هم سابقه نوشتن در نشریات سینمایی دارد و هم تحصیلات سینمایی در دانشگاه یو سی ال ای؛ اولین فیلم کوتاهش، «اینجا شهر من بود» با استقبال جهانی همراه بود و در نخستین تجربه بلند سینمایی‌اش یعنی «خانوم» بسیار قدرتمند ظاهر شد؛ این ها همه انتظار را از این کارگردان جوان و نوظهور بالا می‌برد. اما خلاف انتظار فیلم در روایت قصه‌ای که تمی جذاب را برگزیده و می‌توانست به شدت پرکشش ظاهر شود با گسست‌های مکرر و خللی که ناشی از عدم شخصیت‌پردازی مناسب شخصیت‌ها در فیلم است دچار لکنت می‌شود و تا پایان نه عشق پسر به زن باورپذیر است و نه فرجام غم انگیز فیلم موثر… اما جدای از جریان کارگردانی و نویسندگی، فیلم را می‌شود از جهت هدایت خوب بازیگران به خصوص حامد بهداد ستود. و آن را به سبب بررسی بازی



سید مهدی موسوی

## از سحر مهران تا سحر مهراند: از بازنمایی زنان تا بازیگری

کند داستان را ندارید. سراغ میرو نروید اما اگر فردی هستید که تصورات و انتظارات دور از کلیشه دارید من توصیه اکید دارم میرو را از دست ندهند.



سید مهدی موسوی

آن کار بدتر شد. آن ها تصمیم گرفتند این دو شخصیت را مقابل یکدیگر قرار دهند و حاصل آن یک فیلم تاریخ با تولیدی نامتوازن بود. درگیری بنمن و سوپرمن؛ شاید تنها جنبه هالیوودی و اکشن کار لذت بخش بود. در واقع دی سی تصمیم گرفت کار بزرگ آخر را اول شروع کند. در حال حاضر هم آن ها در حال ساخت فیلمی با عنوان «لیگ عدالت» هستند که نسخه دی سی وار انتقام‌جویان مارول است.

همچنین ساخت «جوخه مرگ» هم نتوانست چندان موفق عمل کند. آن ها بیش از حد داستان ها را فانتزی کرده اند و چهره انسانی قهرمانان را به فراموشی سپرده‌اند. مارول این حسن را دارد که حساب شده تر و به روزتر حرکت می کند ولی دی سی ، به نظر می‌رسد، هنوز نتوانسته الگویی برای ارائه آثار خود پیدا کند. شوالیه تاریکی تنها الگوی آن هاست و این باعث شده آثارشان بیش از حد تاریک و مبهم باشد. البته باید در نظر داشت، آن ها هنوز اول راه هستند.

به نظر می رسد تنها کسانی که از این رقابت سود خواهند کرد، بینندگانی باشند که می توانند فانتزی های خود را به زیباترین شکل روی پرده سینماها ببینند.

### «دودوک عاشق»

بررسی و معرفی ساز دودوک



نگار سنگتراش

کارشناسی شیمی کاربردی ۹۳

دودوک یک ساز باستانی متعلق به خانواده سازهای بادی چوبی و دوزبانه ای است. این ساز اصیل ترین آلت موسیقی در بین دیگر سازهای ملی ارمنه است که از دلایل آن می‌توان به اصالت و قدرت بالای آن در برابر ابراز احساسات و عواطف این ملت اشاره کرد. قدمت ساز دودوک به ۱۵۰۰ سال پیش برمی گردد و گونه های مختلف آن در کشورهای مختلف نواخته می شود. در هر منطقه بسته به تفاوت های ظاهری و نواها، صدادهی و شخصیت موسیقایی ساز نام های متفاوتی نیز دارند. در آذربایجان «بالایان» و در کردستان «نرمه نای» نامیده می‌شود. دودوک، سازی استوانه ای شکل و توخالی است که عمدتاً از چوب درخت زردآلو ساخته می شود؛ ۲۸ تا ۴۰ سانتی متر طول دارد و دارای ۸ یا ۹ حفره در سمت بالا و یک حفره درپایین یا پشت نی مخصوص انگشت شصت می باشد. دودوک دارای یک نی کوچک است به نام قمیش که وظیفه تولید صدا را به عهده دارد. قمیش ۹ تا ۱۴ سانتی متر طول دارد؛ این نی کوچک به وسیله بست چوبی انعطاف پذیری احاطه شده که در طول نی متحرک است. این بست برای کوک کردن دودوک می باشد و باز و بسته کردن دهانه نی را کنترل می کند.
طریقه به دهان گذاشتن قمیش، اولین و مهم ترین امر در نواختن دودوک می باشد. تنها بخش بسیار کوچکی از قمیش را به دهان می گذارند و لب ها باید به طور آزادانه روی دندان ها قرار گیرند و سپس بر روی قمیش پیاده شوند، دندان ها نباید هیچگونه تماسی با قمیش داشته باشند. مکانیزم تولید صدا در دودوک به وسیله فشار لب ها بر روی نی و پوشش حفره ها به وسیله انگشتان می باشد



سید مهدی موسوی

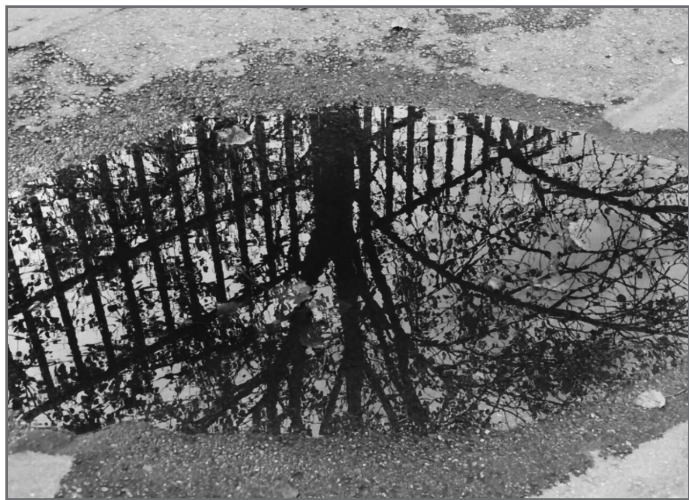


ما نخواستیم که پاییز تنهایی خود را بیشتر حس کند. سخت ترین انتخاب ها در این شماره انجام شد و به دلیل کثرت زیاد عکس ها با موضوع پاییز مجبور شدیم تعداد کمی از آن ها را به دلیل محدودیت صفحه چاپ کنیم و البته تمامی عکس ها در اینستاگرام نشریه قرار داده خواهد شد.

ما را در پیج اینستاگرام نشریه (vaghaye.mag) و کانال تلگرام (@vaghayemag) دنبال کنید.

### عکس های برگزیده سال ۲۰۱۶ از دید شرکت هاسلبلا

شرکت هاسلبلا عکس های برگزیده سال ۲۰۱۶ را معرفی کرد. هزاران نفر در مسابقه عکاسی Masters Awards ۲۰۱۶ هاسلبلا شرکت کرده بودند که در نهایت برندگان براساس رای هیات داوران متشکل از عکاسان و کارشناسان سرشناس حوزه عکاسی و رای عمومی، انتخاب شدند. برندگان دوربین مدیوم فرمت جدید هاسلبلا به ارزش ده هزار دلار دریافت خواهند کرد. در میان عکس های برگزیده ۲۰۱۶ هاسلبلا نام علی رجبی از ایران نیز دیده می شود. تصویر روبه رو عکس برگزیده علی رجبی در این مسابقات است.



شمیم مصطفی زاده

کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲



سودا باقری

کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴



میثا مجرد

کارشناسی فقه و مبانی حقوق ۹۳



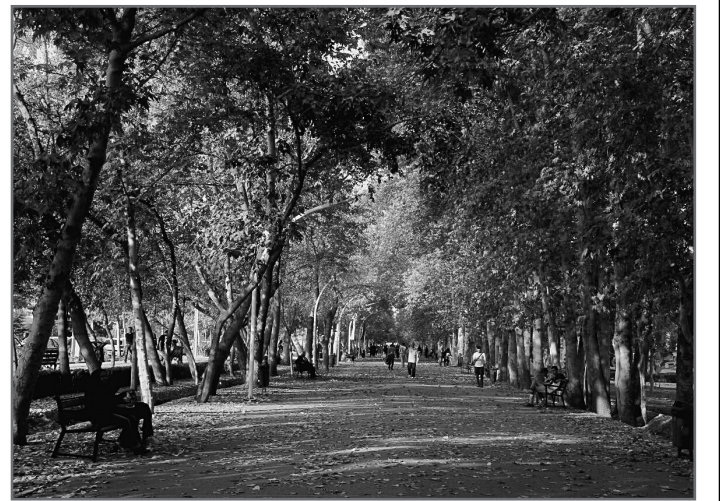
فرزانه خروشی

کارشناسی حسابداری ۹۴



محمد حسین سمندری

کارشناسی مهندسی آب ۹۴



مجتبی موسوی

کارشناسی مهندسی معماری ۹۱

## ایران به یاد خواهد داشت

### نگاهی بر کارنامه‌ی آهنگساز مطرح ایرانی؛ رامین جوادی

عظمت و اهمیت هنر هنرمندانی مانند رامین جوادی بی خواهیم برد.

به طور کلی یک آهنگساز فیلم یا سریال ابتدا بر روی داستان و فضای اثر و حتی جزئیات آن تسلط پیدا می کند و سپس به نوشتن قطعات موسیقی می پردازد و با سکانس هایی که از فیلم در ذهن دارد خلایقیت و هنر خود را به رخ می کشد. و این موضوع را می توان به عینه در سریال «بازی تاج و تخت» مشاهده کرد که چطور موسیقی با داستان هماهنگی کامل دارد. هنر آهنگساز برای جان بخشیدن به سکانس ها و به اوج رساندن هیجانی که تصاویر در بیننده ایجاد می کند. به گفته خود جوادی: «من فیلمنامه را خواندم، ولی خود فیلم بود که به من بیشتر و در سطحی وسیع تر و جدیدتر الهام می بخشید. تصاویر زیبای تیتراژ را نشانم دادند و با تماشای این تصاویر بود که توانستم موسیقی تیتراژ را بنویسم»

نکته جالب دیگر در مورد این سریال کاراکترها و خاندان های بی شماری است که در آن وجود دارد و موسیقی اثر به شکلی هوشمندانه برای هر کدام از آن ها تم منحصر به فردی را ارائه می دهد تا بیننده بهتر و دقیق تر با این شخصیت ها آشنا شده و با آن ارتباط برقرار کند.

هنر و نبوغ اصلی جوادی در این سریال تسلط خارق العاده او بر روی انواع سازها و ترکیب آن ها با هم می باشد که نتیجه کار اثری می شود که هر انسانی را در هر جای این کره خاکی به تحسین وامی دارد.

در پایان باید گفت نام رامین جوادی در آسمان صنعت موسیقی به شدت درخشان گردیده و هنر و استعداد وی پر کمتر کسی پوشیده است، امید است در کشور خودمان روزی را شاهد باشیم که هر کس به راحتی بتواند رویاها و علایق خود را دنبال کند و با بستری مواجه شود که استعداد هایش به بهترین شکل ممکن شکوفا شود.



ساخته شده توسط جوادی را بتوان به موسیقی متن بی نظیر و روحانی سریال «بازی تاج و تخت» نسبت داد. سریالی که شاید بدون اغراق آن را بتوان محبوب ترین سریال حال حاضر دنیا دانست و موج عظیم اطلاعات و تحلیل و تفسیرهایی که از این سریال در محافل (مجازی و غیر مجازی) به راه افتاده گواهی است بر این ادعا. حال تصور کنید این سریال محبوب بدون موسیقی فاخر خود بازم می توانست تا این حد محبوب شود؟ اگر قبول کنیم که یک فیلم و به طور کلی یک اثر نمایشی در شکل و فرم معمول این چنین آثار، بدون موسیقی متن مانند جسمی هستند فاقد روح، آنوقت به

همچنین در جدیدترین آثار رامین جوادی موسیقی سریال «Westworld» به چشم می خورد که در بدو شروع طرفداران زیادی را به سمت و سوی خود جذب کرده است.

ما ایرانی ها شاید اولین بار زمانی با رامین جوادی آشنا شدیم که نام او در تیتراژ ابتدایی سریال «فرار از زندان» نقش می بست و باورمان نمی شد که یک ایرانی موسیقی این سریال تحسین شده را ساخته باشد و شاید اندکی هم به خود مغرور می شدیم که ناشی از افتخارمان به این آهنگساز خوش ذوق بود.

اما شاید عنوان بهترین و با عظمت ترین اثر موسیقایی

مهدی میلانی راد

کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳



«رامین جوادی» متولد سال ۱۹۷۴ در شهر دویسبورگ کشور آلمان و بزرگ شده در غرب است. پدرش یک ایرانی مهاجر بوده و مادرش آلمانی است. او فارغ التحصیل ممتاز کالج موسیقی برکلی بوستون آمریکا در سال ۱۹۹۸ و یکی از استعدادهای درخشان این حرفه می باشد که توسط «هانس زیمر» آهنگساز مشهور فیلم هایی چون «گلابدیاور»، «اینتراستلار» و... کشف شده است. او حتی در فیلم های «آغاز تومن» و «دزدان دریایی کارائیب» به عنوان دستیار زیمر همکاری کرده و وظیفه ساخت موسیقی های مکمل را در این آثار به عهده داشته است. وی در اولین تجربه شخصی اش در این حیطه برای فیلم «Blade: Trinity» موسیقی متن نوشت که این اولین همکاری او با «دیوید اس گویر» کارگردان مشهور هالیوود محسوب می شود. در ادامه این همکاری او موزیک فیلم «The Unborn» را برای گویر نوشت. البته اوج همکاری این دو به سریال «Flash Forward» برمی گردد، جایی که دومین نامزدی در قسمت موسیقی متن «امی» را برای او به ارمغان آورد. او اولین بار برای سریال «فرار از زندان» نامزد این جایزه شده بود. از دیگر دست آورد های وی موسیقی گوش نواز فیلم «Mr. Brooks» است که برای جوادی نامزدی «کشف سال» را در جایزه «World Soundtracks Awards» به همراه داشت.

از دیگر آثار سینمایی مهمی که موسیقی آن توسط جوادی ساخته شده می توان به فیلم های: «Deception, Iron Man, Open season...» اشاره کرد.

او همچنین در زمینه ساخت موسیقی برای بازی های کامپیوتری هم فعالیت داشته و موسیقی بازی هایی مانند: «Medal of Honor و Unleashed Shift...» از آثار اوست.

**هیئت تحریریه:** سرویس خبرنگار: سجاد نامور (دبیر سرویس)، محمد محبی، سهراب شریفی، محدثه احمدی، فرنام شکیبافر، علی میری، مسعود همدیمان، سرویس دارالفنون: فریبا قاسم زاده (دبیر سرویس)، پریسا فتاحی، بهاره ابراهیمی، بهنام غلامی، فرناز محمدیان، زهرا کریمی، سینا سهیلی فر، فاطمه نصیریایی، سرویس سینمایی: آتوسا آریایی (دبیر سرویس)، نیلوفر عادل، سارا شجاع، سجاد عمران، سجاد ناصری، فائزه سرفرازی، مهدی میلانی راد، سرویس ادبی: غزل عرفانی (دبیر سرویس)، فرزانه خروشی، داوود شافروشان، محدثه هادی نژاد، اسماء سنجاقتی، مهشاد هاشمی، غزل طهماسبی، هادی قنبری، هاجر رضوانی، مرتضی نادری سرویس موسیقی: حمیدرضا علیمردانی (دبیر سرویس)، امیررضا کرامتی، نگار سنگتراش، سرویس عکس: سودا باقری (دبیر سرویس)، شمیم مصطفی زاده، مجتبی موسوی، محمد حسین سمندری، پریسا قره‌داشی، سارا صداقت

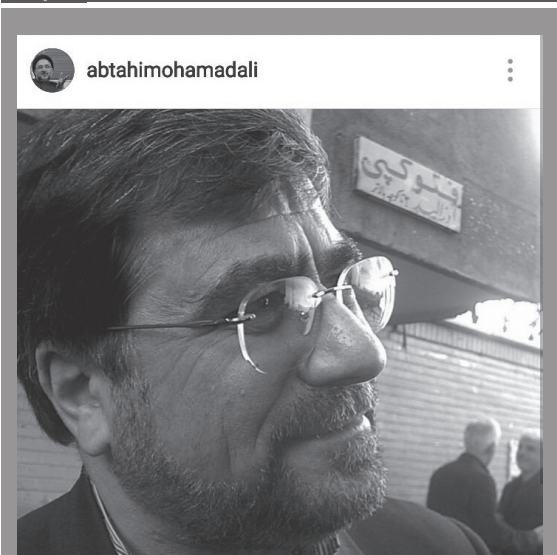
سامانه ۰۵۷۴۳۰۰۰۷۶۵۰۰۰۰  
پل ارتباطی ما با شما مخاطبان گرامی است. در صورت تمایل به همکاری با نشریه، می‌توانید کلمه «همکاری» را به سامانه ارسال کنید.

باشگاه مخاطبان

جدیدترین اخبار و رویدادها در کانال تلگرام وقایع اتفاقیه: @vaghayemagz

# کافه تریا

## در حوالی اینستاگرام



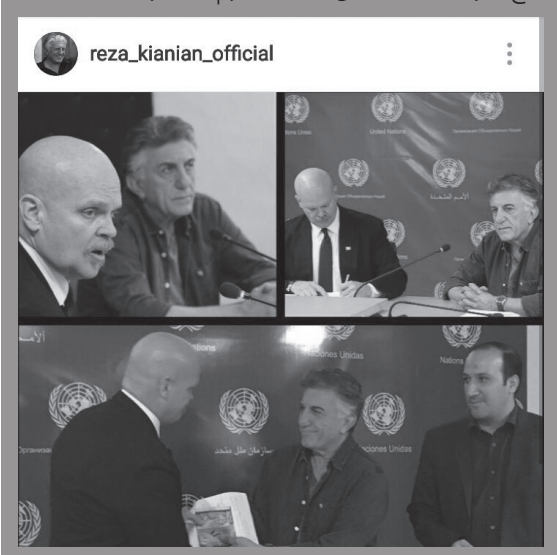
«ایشان با سوابق خانوادگی اش می‌توانست جور دیگری رفتار کند و زیر فشار نباشد.» بخشی از متن محمدعلی ابطرحی اصلاح طلب است برای جنتی، وی در اینستاگرام ۱۱۰ هزار هوادار دارد.



«مردی که همیشه آرام بود و انگار در سایه» بخشی از متن کوتاه مهدی بزدانی خرم نویسنده و روزنامه نگار است در سوگ منصور پور حیدری. بزدانی خرم ۱۰ هزار فالور دارد.



«تن نیست، آدمی عدد است هر روز کم می‌شود.» عبارتی تامل برانگیز که حبیب رضایی برای تصویر بالا درج کرده است. رضایی در اینستاگرام ۴۷ هزار دوستدار دارد.



رضا کیانیان چندی پیش به نمایندگی از ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر نامه‌ای را به نمایندگی سازمان ملل در ایران تقدیم کرد. نامه‌ای که در آن از سازمان ملل برای رفع بی‌آبی در ایران تقاضای همکاری شده است. کیانیان ۲۸۷ هزار هوادار دارد.

خبری جدیدی میان صفحه ادبی‌اش می‌کشاید: «خانم الف. سین و آقای ر. سین ادعا می‌کنند که طلای نابی را میان کلمات یافته‌اند.» آن وقت می‌خواهم بدانم مدعاگران عشق هم، عاشقی‌های یکی‌شان را به رمز و راز عشق سه روزی رومثو و ژولیت پیوند می‌دهند یا می‌خواهند خود را هم‌بزم لیلی و مجنون بدانند... بیدار شوید ای خواب‌دیده‌ها... لیلی و مجنون چند کلمه آن طرف‌تر از سیاه‌رنگی‌های شما کوله بار را بستند تا از میان دو رنگی‌هایی که نامش را عاشقانه‌ی مدرن گذاشته‌اید پا به فرار بگذارند... سانسورچی پرمدها را دیگر بی‌خیال از ختم ماجرایش می‌شوم... او همیشه چند کلمه برای بیان زست‌های نقدانه و تخریبی‌اش در جیب دارد... میان صفحات این روزنامه، درست در همان صفحه که شعر تو به چاپ رسیده‌است گل رزی که برایم آورده‌ای خشکیده‌وار نفس می‌کشد... روان‌نویس سیاه‌رنگ را برمی‌دارم و بر تیتتر خبری خط می‌کشم... تیتتر جدیدش به خواننده‌های که ندارد چشمک می‌زند: «من همان سانسورچی سابق، عاشقانه سراینده مشق شب‌های امروزم.»

دهه‌ی ۳۰ می‌گذارد... سیگار پشت سیگار آتش بزنم و به دنبال یک کلمه، خبرهای روز را با فنجان سیاه‌رنگم که شکلک دو نقطه‌ی لبخندش به مزه اسپرسو نشان واژه‌های سانسور شده دهن کجی کند و نفهمند یک نفر همین حوالی شهر را زیر پا می‌گذارد تا روزها را به شب برساند... کافه را معطر می‌کنی... چه عجیب تو را هم‌شکل همان روزنامه‌ای می‌بینم که صبح با سر تیتتر خبری «ادعای عاشقانه در بازی ماربله» به چاپ رسید... راستش می‌دانی آخرش ما می‌مانیم و داستان طنزی که خلاف گفته‌ها و نظریاتمان از پس رنگ جدید پوست میوه‌های پیوندی بر جلسات عارفانه شب شعرهای نوستالژیک به شعر درمی‌آیند... یادم رفت بگویم میان شعرهایم واژه‌ها را کشتیم تا از پس هر بار فریاد آن‌ها تو بخندی... اسپرسوهای من با خنده‌های تو شیرین می‌شوند... بگذار این شعر را به چاپ رسانم... می‌خواهم بدانم آن سانسورچی قصه‌گو این بار چه دارد که بگوید لایق آنقدر واژه کم می‌آورد که وصل می‌کند به نرخ روز طلا... بگذار میان خواب زمستانی‌اش بماند... یک روز که از خواب بیدار شود تیتتر

## متن ادبی

**سانسورچی عاشق**

اسماء سنجاقتی ساز مهندسی پزشکی بالینی ۹۴

روزنامه این بار هم منتشر شد... سانسورچی از خدا بی‌خبر باز هم نام تو را در تیتتر خبری روز با حروف مقطع به چاپ رساند... «خانم الف. سین و آقای ر. سین پرونده‌ی جدیدی را مقابل چشم‌ها گشودند... لعنت به هر کلمه که از میان چشم‌هایشان ربوده شود و آن‌ها واقعیت را فرع بر دو رنگی ببینند... - گارسون یک اسپرسو تلخ لطفاً! چراغ‌های کافه را هم کم کن... از راه می‌رسد خانم الف. سین. می‌ادا این بار هم خبرنگاران پر شور و هیجان چشم‌هایشان را عکاسی کنند و آن سانسورچی پر مدعا هم این بار تیتتر خبری روز چشم‌هایشان را به چاپ برساند و برخلاف حدفیات همیشه، چند کلمه هم بر رنگ تو بیافزاید... آن موقع من می‌مانم و یک دل آواره که سر بر روزنامه‌های باطله‌ی

## معرفی کتاب

**هنر ممنوع است!**

هاجر رضانی کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۲

نام کتاب: دنیای قشنگ نو  
نویسنده: آلدوس هاکسلی  
مترجم: سعید حمیدیان - انتشارات نیلوفر  
تعداد صفحات: ۲۹۵  
شماره راهنمای کنگره در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه فردوسی: ۹۵ PR / ۶۰ ۲۵

چشم‌هایتان را ببندید. دنیایی را تصور کنید که در آن هنر ممنوع است. ایمان و اعتقاد و خواندن داستان هم قدغن! دنیایی که در آن حتی حرف داشتن پدر و مادر شرم‌آور است! چرا که انسان با استفاده از علم ژنتیک، درون لوله‌های شفافی ساخته می‌شود. سپس با استفاده از علم روانشناسی، افکار و روحيات خاصی به او دیکته می‌شود تا به یکی از چند دسته‌ی موجود- که هر دسته دارای ویژگی‌های متمایزی است- اضافه شود: دسته‌ی آفاها، بناها، گاماها! شهروندان این دنیای قشنگ متمدن (معتقدند که متمدند)، انسانی را که حاصل زاد و ولد طبیعی است، «وحشی»

«دنیای قشنگ نو» ترسیم کننده‌ی یک پادآرمان شهر است. اگر دوستش داشتید، پس کتاب‌های زیر را هم از دست ندهید:

۱۹۸۴ اثر جورج اورول، ما اثر یوگنی زامیاتین و میرا اثر کریستوفر فرانک



می‌مانند. «وحشی‌کده» جایی است به جا مانده از زندگی گذشتگان، که آدم‌های متمدن، به عنوان مسافرت به آن‌جا می‌روند و با دیدن وحشی‌ها تفریح می‌کنند.

آن‌ها در درجه‌ی اول معتقدند که همیشه و همه‌جا، نظم و آرامش باید حاکم باشد؛ عناصری که به ایده‌ی آن‌ها در وحشی‌کده وجود ندارد. طی یکی از سفرهای مفرح به وحشی‌کده، یکی از آدم‌های قشنگ نو، یک وحشی به نام «جان» را با خود به دنیای متمدن می‌آورد. اما جان نمی‌تواند طبیعت خود را با این دنیای ماشین‌وار وفق دهد، پس... قسمتی از ذهنیتی که آدم‌های دنیای قشنگ نو درباره‌ی «وحشی»ها (یعنی ما!) دارند: «... پس عجیب نیست که آن ماقبل عصرجدیدی‌های بینوا دیوانه و تبهکار و بدبخت بودند. دنیایشان به آن‌ها اجازه نمی‌داد که امور را آسان بگیرند، اجازه نمی‌داد عاقل، با فضیلت و سعادت‌مند باشند. با آن مادرها و عاشق معشوق‌ها، با آن ممنوعیت‌هایی که تربیتشان حکم می‌کرد گرد آن‌ها نگرند، با آن وسوسه‌ها و ندامت‌های هنگام تنهایی، با آن همه بیماری و درد بی‌درمان تنهایی، با آن بی‌تامینی و فقر- ناچار از داشتن حس قوی بودند. احساس قوی هم (تازه آن هم در گوشه‌نشینی و انزوایی که خیری در آن نبود) با ثبات جور در نمی‌آید.»

## شعر بغض تنهایی

سید علیرضا علوی بجنستانی کارشناسی مهندسی آب ۹۴

بغض تنهایی جلویم را گرفت  
آمدش بیخ گلویم را گرفت

یاد معشوق بر سرم انداخت و رفت  
یاد او صبر و سبویم را گرفت

عشق آمد، زیر و زبر کرد مرا  
رفتنش خلق نکویم را گرفت

خواستم نام او فریاد کنم اما نشد  
دست بغض بود، او گلویم را گرفت

خواستم در راه او حرکت کنم اما چه شد؟  
حیف، از آن غرورم کو جلویم را گرفت



## شعر لی لی پوت‌ها

امیرحسین ابراهیمی کارشناسی مهندسی مواد ۹۲

پنهون کن تمام حس و حالت رو  
پشت لبخندهای گرم و صمیمانه  
گرم بگیر با تمام آدم‌ها  
این‌جا کسی، کسی رو نمی‌فهمه  
پنهون کن تمام عشقت رو  
به پهلوئه‌ی غرور و حفظ نجابت  
خودت دستت رو تویه دست بگیر  
تویه سرما و سوز غربت  
اینجا همه مشغول کارن  
موش‌هایی با دندونای فرسوده  
ریسمان‌های زندگی رو پاره می‌کنن  
برای مشت‌ی پول پاره  
لال باش و از هیچی دم نزن  
صدای تو داره ضبط می‌شه  
آزادی بیان فقط شعاره اینجا  
زندان آزادی پس از بیان می‌شه  
به دستای خست دست‌بند می‌زنن  
راه پاییزو نشونت می‌دن  
برای زندگی تو این دنیا  
حکم حبس ابد بهت می‌دن  
اینجا همه‌ی آدم‌ها خوشحالن و شاد  
فقط شور زندگی نشون داده می‌شه  
روزنامه‌ها از آینده‌ی تیتتر می‌زنن که  
حلال‌اش یک کلید مشکل‌گشا می‌شه  
تو گالیوری هستی با پشتی خمیده  
تویه دنیای لی‌لی پوت‌ها  
کوتوله‌های چاق به میخ می‌کشنت  
با طناب قانون و محدودیت‌ها

## شعر منم چو مرغ مهاجر

حمید سالاری کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۳

بدان که سینه پر از حرف و گفت و گو مانده  
بدان که خاطرهای بغض و بر گلو مانده

بدان زمین شده است آسمان ز دوری تو  
بدان که بی‌تو نه روی و نه آبرو مانده

منم چو مرغ مهاجر که مانده از پرواز  
و از پریدن او، شوق و آرزو مانده

شبیبه شهر ستم دیده‌ای که بعد از جنگ  
ز مردمان صبورش، ستیزه‌جو مانده

به قد کوه دماوند و رود کارون است  
تمام حسرت و رنجی که پیش رو مانده

بدان خودت شده‌ای بهر گریه ات شانه  
بدان دلت پره از گریه‌ی مگو مانده

